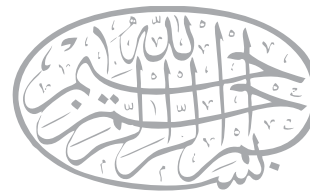


آموزش ابتدایی

رشد

ماه نامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان
www.roshdmag.ir دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره ی بیستم- اسفند ۱۳۹۵- شماره ی پیاپی ۱۶۳- ۴۸ صفحه- ۱۰۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

مدیر مسئول: محمد ناصری
سرمدیر: علیرضا متولی
شورای برنامه ریزی:
فاطمه رمضان، سیده زهرا یاسینی،
یدالله رهبری نژاد، صادق صادق پور
مدیر داخلی: مریم موسوی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: پریسا شندسی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۸۸۸۳۱۱۶۱-۰۲۱ (داخلی ۴۲۹)
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir
وبگاه: www.roshdmag.ir
roshdmag:
پیام نگار: ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۰۹
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۷۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۷۳۳۶۶۵۶-۰۲۱
شمارگان: ۲۷۵۰۰

- سرمقاله** - ارزشیابی کیفی، ارزشیابی کیفیت، کیفیت ارزشیابی، مسئله کدام است؟/ ۲
- تقویم ماه - ۳**
- در ساحل قرآن** - پیامبری در قصر / ناصر نادری / ۴
- حرف های مگو، بگوی معلم / ۱۰
- تجربه ی مادرانه** - ارزش توصیف در ارزشیابی / کبری محمودی / ۱۴
- مقاله** - بهبود مهارت های حرکتی پایه / ترجمه رضا سلطانی و محسن وحدانی / ۶
- بازی های امروزی، فایده ها و آسیب ها / اسکندر حبیب پور و حبیب الله ولی زاده / ۸
- باز خورد پایانی / بهمن قره داغی / ۱۸
- پرسش و پاسخ های متداول در ارزشیابی توصیفی / ۲۴
- ظرافت های معلمی، تکه ی گمشده ی مدیریت کلاس / فریبا سروری عموقین / ۳۶
- آموزش** - ارزشیابی کیفی-توصیفی در نگاهی ساده / مصطفی زندیه / ۱۶
- خاطره ها و تجربه ها** - از معلمان / ۲۸
- معلم صفر کیلومتر / زهرا صنعتگران / ۳۲
- حمله به اغتشاش / دکتر نیره شاه محمدی / ۳۵
- دورهمی** - روزی که شاگردتان از این خاطرات تعریف می کند... / زهرا صنعتگران / ۳۸
- داستان** - بهترین آموزگاری که داشته ام / مجید عمیق / ۳۹
- هنر در کلاس درس** - درس بازی با بچه ها! / مجید راستی / ۴۰
- ادبیات و هنر** - وضو در حوض مثنوی / مهری ماهوتی / ۴۲
- لطیفه هایی از کتاب امثال و حکم دهخدا / علیرضا لبش / ۴۳
- فیلم و سینما** - معرفی فیلم / کارخانه ی رویایی / مهران نعمت اللهی / ۴۴
- اولی ها / مهدی ولی زاده / ۴۵
- همراهان ما** / ۴۶



عکس روی جلد: فریبا شیخ روشندل

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. ● چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. ● مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی CD یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.
- علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم تری که در صفحه ی ۴۶ و ۴۷ درج شده، توجه فرمایید.



ارزشیابی کیفی، ارزشیابی کیفیت، کیفیت ارزشیابی مسئله کدام است؟

۱. این شماره را بیشتر به مقوله‌ی ارزشیابی کیفی پرداختیم. مدتی فکر به موضوع ارزشیابی مشغول بود. در دل این ارزشیابی نوعی ارزشیابی نامرئی وجود دارد که شاید کمتر به آن توجه کرده‌ایم. شاید اصولاً چنین ارزشیابی نامرئی را به نسبت نامرئی بودنش نادیده گرفته‌ایم!

آیا تاکنون از خود پرسیده‌ایم ما چه چیزی را ارزشیابی کیفی می‌کنیم؟ آیا آنچه به دانش‌آموزان خود آموخته‌ایم، از کیفیت لازم برخوردار بوده است یا نه؟ آیا ما مقوله‌ای کیفی را ارزشیابی می‌کنیم؟ یا فقط می‌خواهیم هر آنچه را آموخته‌ایم بسنجیم و کاری به کیفیت آن نداشته باشیم؟ چه کسی باید کیفیت مواد آموزشی ما را ارزیابی کند؟

چه کسی باید کیفیت روش تدریس ما را ارزیابی کند؟

آیا برای این نوع ارزشیابی‌ها فکری کرده‌ایم؟

آیا ارزیابی معلم براساس ده‌ها طرحی که او را به آن مشغول کرده‌ایم، کافی است؟ و سؤال آخر اینکه کیفیت ارزشیابی‌های ما از زحمات دانش‌آموزان را چه کسی ارزشیابی می‌کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها به اندیشه و تفکر بیشتری نیاز دارد.

از خوانندگان گرامی می‌خواهیم در صورتی که پاسخ یا پیشنهادی درباره‌ی این سؤالات دارند، حتماً با مادر میان بگذارند.

۲. اگرچه پایان سال حرفه‌ای ما در انتهای سال تحصیلی رقم می‌خورد، اما خوب است در این ماه پایانی سال تقویمی هم به ارزشیابی خودمان بپردازیم. ما بی‌صبرانه منتظریم دوستان علاقه‌مند به ارزشیابی شش شماره‌ی ماه‌نامه رشد آموزش ابتدایی بپردازند و ما را در جریان نقدها و نظرهای خود قرار دهند.

۳. هر هفته به‌طور متوسط حدود بیست مقاله به ایمیل مجله می‌رسد. تقریباً نیمی از این مقالات استانداردهای حداقلی نگارش مقاله را ندارند و تعدادی از آن‌ها اصولاً به ماه‌نامه‌ی رشد آموزش ابتدایی مربوط نمی‌شود. تعدادی از مقالات هم به موضوعات کهنه و گاهی فراموش‌شده‌ی آموزش و پرورش مربوط‌اند.

در صفحه‌ی ۴۶ و ۴۷ همین شماره، علاوه بر شرایط عمومی مقاله که در صفحه‌ی شناسنامه آمده است، شرایط اختصاصی مقاله‌ها و نوشته‌های قابل پذیرش را آورده‌ایم. از دوستان و همکاران گرامی درخواست می‌کنیم قبل از ارسال نوشته‌های خود شرایط را مطالعه فرمایند.

علیرضا متولی



۳ اسفند
روز کودتای انگلیسی رضاخان (۱۲۹۹ ه.ش)



۵ اسفند
روز خواجه نصیرالدین طوسی
روز مهندس



۸ اسفند
روز بزرگداشت ملاهادی سبزواری



۸ اسفند
روز امور تربیتی و تربیت اسلامی



۱۲ اسفند
شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)
(۳ جمادی الثانی)



۱۴ اسفند
روز احسان و نیکوکاری



۱۸ اسفند
روز بزرگداشت سیدجمال الدین
اسدآبادی (تولد: ۱۲۱۷ ه.ش)



۲۰ اسفند
روز راهیان نور



۲۲ اسفند
وفات حضرت ام البنین (س)
روز تکریم مادران و همسران شهدا



۲۵ اسفند
روز بزرگداشت پروین اعتصامی
روز درختکاری



۲۵ اسفند
بمباران شیمیایی حلبچه
(۱۳۶۶ ه.ش)



۲۹ اسفند
ولادت حضرت زهرا (س)
(۸ سال قبل از هجرت)



۲۹ اسفند
روز ملی شدن صنعت نفت ایران
(۱۳۲۹ ه.ش)



۲۹ اسفند
تولد حضرت امام خمینی (ره)
روز زن

۲۸ نکته‌ی تربیتی در داستان زندگی حضرت موسی (ع) در قرآن کریم

پیامبری در قصر

ناصر نادری
تصویرگر: نسیم نوروزی

اشاره

حضرت موسی (ع) از پیامبران بزرگ الهی و از انبیای اولوالعزم به‌شمار می‌آید. در قرآن کریم در بیست سوره از وی سخن گفته شده است و ۱۳۶ بار از وی یاد شده است: سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، یونس، هود، ابراهیم، اسراء، کهف، مریم، طه، انبیا، حج، مؤمنون، فرقان، شعراء، نمل، قصص، عنکبوت، الم سجد، احزاب، صافات، غافر، حم سجد، شوری، زخرف، احقاف، ذاریات، نجم، صف، نازعات و اعلی. حضرت موسی (ع) فرزند عمران، ملقب به «کلیم‌الله» (هم‌کلام با خدا)، مأمور به رسالت در قوم بنی‌اسرائیل بوده است و کتاب آسمانی‌اش «تورات» نام دارد. زمان ظهورش در فاصله‌ی قرن‌های ۱۳ تا ۱۵ پیش از میلاد مسیح بوده است. هارون، برادرش، در رسالت حامی او بود. موسی (ع) داماد شعیب پیامبر بوده است. در این شماره، ضمن پرداختن به فرازهای مهم زندگی حضرت موسی (ع)، به برخی از جلوه‌های تربیتی داستان زندگی او در لابه‌لای آیه‌های قرآن کریم اشاره خواهد شد.

فرازهای مهم زندگی حضرت موسی (ع)

- تولد موسی (ع) و افکندن وی توسط مادر در گهواره‌ای از چوب و حصیر به آب و نجات موسی (ع) به وسیلهٔ آسیه، همسر فرعون؛
- بزرگ شدن موسی (ع) در قصر فرعون و با شیر مادر خودش؛
- قتل یکی از قبطیان (حامیان فرعون) توسط موسی (ع) و هجرت وی به شهر «مَدین»؛
- ازدواج موسی (ع) با یکی از دختران شعیب پیامبر و ده سال چوپانی برای وی؛
- بازگشت به سرزمین مصر و برگزیده شدن به پیامبری؛
- حضور در قصر فرعون همراه با برادرش هارون و معجزه‌های موسی (ع)؛
- خروج شبانه‌ی موسی (ع) و پیروانش از مصر و غرق شدن فرعون و لشکریانش در رود نیل.

گروه مؤمنان

«داستان موسی و فرعون را به راستی برای گروه مؤمنان بر تو می‌خوانیم»

(قصص/ ۳۰).

- هدف قرآن از بیان این داستان هدایت مؤمنان است. (برای گروه مؤمنان)
- نخستین شرط هدایت «قابلیت» است. (برای گروه مؤمنان)

در آن سرزمین

«فرعون در آن سرزمین برتری طلب بود و مردمش را گروه‌گروه کرد و گروهی را با کشتن پسرانشان و باقی گذاشتن زنانشان ضعیف و خوار داشت. او به راستی از تبه‌کاران است» (قصص/ ۴).

- ایجاد تفرقه از ابزارهای مستبدان برای تسلط به مردم است. (و مردمش را گروه‌گروه کرد).
- تفرقه‌مقدمه‌ی ذلت‌پذیری است. (گروه‌گروه کرد... ضعیف و خوار داشت).
- تفرقه‌افکنان مفسدند. (... از تبه‌کاران است).



به دریا بینداز

«به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر بده و چون بر جانش بیمناک شدی، او را به دریا بینداز. نترس و اندوهگین مشو که ما او را به تو باز می‌گردانیم و در سِلک پیامبران می‌آوریم» (قصص/۷).

□ در هنگام اضطراب و نگرانی بهترین حمایتگر مؤمنان خداست. (... وحی کردیم.)

□ زنان قادرند از الهام غیبی الهی بهره‌مند شوند. (به مادر موسی وحی کردیم.)

□ نزول امدادهای غیبی با استفاده از ابزار مادی، منافاتی با هم ندارند. (... او را شیر بده.)

روشنی چشم

«و همسر فرعون گفت: «او را نکشید که مایه روشنی چشم من و توسست. شاید به ما سودی برساند یا او را به فرزندی خود برگزینیم» (قصص/۹).

□ زن باید در جامعه منشأ اثر باشد. (همسر فرعون گفت...) (قصص/۹)

□ پیشنهاد به موقع، همراه با استفاده از عنصر محبت و عاطفه، کارساز است. (... مایه‌ی روشنی چشم من و توسست.)

□ در برخورد با زشتی‌ها، باید هم عطف و مهربانی به کار برد و هم از امر و نهی استفاده کرد. (مایه‌ی روشنی چشم من و توسست... او را نکشید.)

□ در نهی از منکر باید از ارتباط شفاهی (زبانی) استفاده کرد. (او را نکشید!)

یک کودک

«ما پیشاپیش دایگی زنان را که شیر می‌دادند، بر او حرام کردیم. پس [خواهر موسی که مأموران را در جست‌وجوی دایه دید] گفت: «آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌توانند او را نگهداری کنند و خیرخواه او باشند؟» (قصص/۱۲).

□ گاهی مستکبران از تأمین غذای یک کودک هم ناتوان می‌شوند. (... بر او حرام کردیم.)

□ در حوادث همواره باید هوشیار بود. خواهر موسی، بدون اینکه نامی از مادرش ببرد، او را به مأموران فرعون معرفی می‌کند. (آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم...)

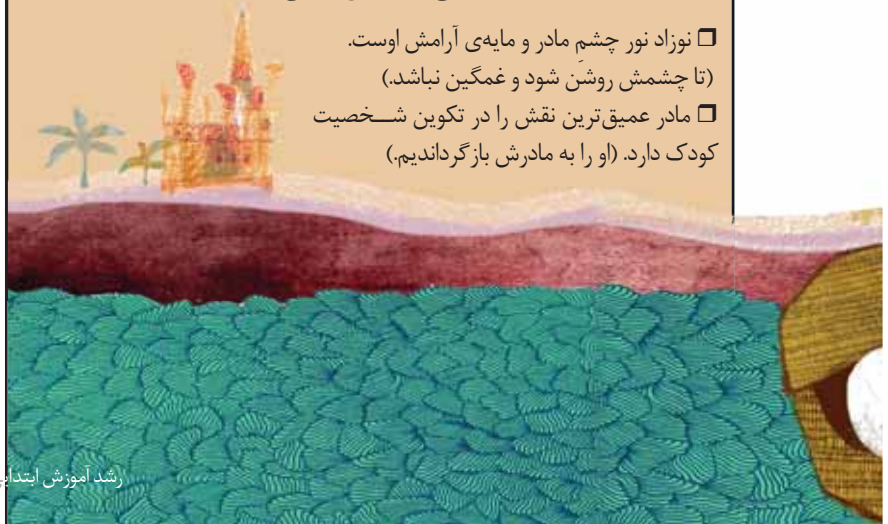
□ نوزاد، علاوه بر نیازهای طبیعی (فیزیولوژیکی)، به کانون خانواده و محبت نیازمند است. (... می‌توانند او را نگهداری کنند و خیرخواه او باشند.)

وعده‌ی خدا

«بدین‌سان او را به مادرش بازگردانیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند وعده‌ی خدا حق است، ولی بیشتر آن‌ها نمی‌دانند.» (قصص/۱۳)

□ نوزاد نور چشم مادر و مایه‌ی آرامش اوست. (تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد.)

□ مادر عمیق‌ترین نقش را در تکوین شخصیت کودک دارد. (او را به مادرش بازگردانیم.)



نیکوکاران

«چون [موسی (ع)] نیرومند و برومند شد، او را فرزاندگی و دانش دادیم، و این‌گونه نیکوکاران را [در دنیا] پاداش می‌دهیم» (قصص/۱۴).

□ نخستین شرط پذیرش مسئولیت بلوغ جسمانی است. (چون نیرومند و برومند شد.)

□ بلوغ واقعی، علاوه بر رشد جسمانی، به بلوغ فکری نیز وابسته است. (او را فرزاندگی و دانش دادیم.)

□ حکمت بر علم مقدم است. (او را «فرزاندگی» و «دانش» دادیم.)

□ لطف به نیکوکاران سنت الهی است. (و این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.)

□ پاداش نیکوکاران منحصر به آخرت نیست. (و این‌گونه نیکوکاران را [در دنیا] پاداش می‌دهیم.)

راه راست

«و چون [موسی] به سوی مدین روی نهاد، گفت: «امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند» (قصص/۲۲).

□ گاهی هجرت و تحرک از شیوه‌های تحول‌خواهی و جلب خشنودی خداست. (و چون به سوی مدین روی نهاد.)

□ نخست حرکت و سپس دعا و امیدواری. (و چون به سوی مدین روی نهاد... گفت: امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند.)

□ همواره باید در صدد انتخاب بهترین و نزدیک‌ترین راه‌ها بود. (راه راست)

□ در همه‌ی حالات باید امیدوار بود. (امید است که...)

□ وجود فراز و نشیب در مسیر تربیت انسان‌ها یک سنت الهی است. (و چون به سوی مدین روی نهاد... گفت: امید است که پروردگارم...)

□ در هر کار باید از پروردگار یاری طلبید. (و چون به سوی مدین روی نهاد... گفت: امید است که پروردگارم...)

بهبود مهارت‌های حرکتی پایه

برنامه‌ای برای ایجاد انگیزه‌ی حرکت در دانش‌آموزان

نجمه رضا سلطانی

کارشناس ارشد روان‌شناسی ورزش، دانشگاه تهران

محسن وحدانی

دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت‌بدنی، دانشگاه تهران

آن‌ها با رفتن به مدرسه، تماشای تلویزیون، بازی‌های رایانه‌ای و تکالیف پر شده است. از طرف دیگر هم فرصت‌های تمرینی با کمبود امکانات و تجهیزات مناسب محدودتر شده‌اند. برای مثال، هزینه‌ی خرید ابزار بازی و شرکت در کلاس‌های ورزشی و دیگر امکانات زیاد است. البته فرصت‌های تمرینی به تنهایی نمی‌تواند رشد حرکتی را در بیشتر کودکان در پی داشته باشد. بسیاری از کودکان، بدون داشتن برنامه‌ی مناسب رشدی، هرگز در مهارت‌های حرکتی بنیادی نتوانمند نمی‌شوند. موضوع دیگر، ایجاد محیطی غنی و محرک برای افزایش تجارب حرکتی کودکان و رشد مهارت‌های حرکتی است که باید با همکاری مدیر و آموزگار مدرسه ایجاد شود.

ارائه‌ی برنامه‌ای که گستره‌ی وسیعی از مهارت‌های موردنظر را در برگیرد و نیز برنامه‌ای که به‌عنوان یک انگیزش بتواند به تمایل کودکان برای فعال شدن منجر شود، از عوامل کیفی برنامه‌ی متناسب رشدی محسوب می‌شود. برنامه‌ی درس تربیت بدنی باید متناسب با نیازها، علاقه‌ها و سطح رشد دانش‌آموزان باشد. لذا آموزگاران تربیت‌بدنی باید برنامه‌ای را در کلاس اجرا کنند که ضمن تناسب با برنامه‌ی درس تربیت‌بدنی، با رشد حرکتی دانش‌آموزان نیز متناسب باشد. برنامه‌ی حرکتی مذکور باید بتواند مهارت‌های حرکتی پایه را توسعه دهد. مهارت‌های

رفتاری منجر خواهد شد. عنصر اصلی رشد حرکتی، مهارت‌های حرکتی بنیادین هستند. اگر برنامه‌ی خوبی طراحی شود و به‌شکل صحیح در ساعت درس تربیت‌بدنی تدریس شود، مسلماً در رشد همه‌جانبه‌ی کودکان سهم مهمی خواهد داشت.

دوران کودکی در میان دوره‌های زندگی مهم‌ترین دوره‌ی رشد حرکتی به‌شمار می‌آید. خصوصیات این دوره، رشد مداوم جسمانی، حرکتی، شناختی و عاطفی است. به‌طوری که تجارب و یادگیری‌های اولیه در این دوران، در یادگیری بعدی فرد بسیار مؤثر است. در واقع، تجارب گذشته‌ی کودک نقش مهمی در یادگیری آینده دارد. زمان می‌تواند تعیین‌کننده‌ترین عامل در فرصت‌های تمرینی باشد. بسیاری از کودکان زمان کافی برای رشد مهارت‌های حرکتی خود ندارند. به این ترتیب که روز

حرکت امری غریزی است و برای رشد دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی نقش محوری دارد. این نقش در زمینه‌هایی همچون رشد شناختی، رشد عاطفی، و نیز رشد حرکتی او حیاتی است. رشد حرکتی بخشی از مطالعه‌ی علمی رفتار است که به تغییر و پایداری در رفتار حرکتی از زمان تشکیل نطفه تا مرگ توجه دارد. رشد حرکتی به تغییرات پیش رونده در رفتار حرکتی در سراسر دوره‌ی زندگی اطلاق می‌شود که حاصل تعامل بین نیازهای تکلیف، ویژگی‌های بیولوژیکی فرد و شرایط محیطی است. اهمیت رشد حرکتی از این جنبه است که پیامدهای مستقیمی بر توانایی‌های فرد در انجام مهارت‌های حرکتی دوره‌های بعد دارد. علاوه بر این، تأخیر در رشد این مهارت‌ها به ایجاد مشکلاتی در ادراک بصری، ضعف در یادگیری، و حتی اختلالات



بنابراین، مهارت‌های راه رفتن، دویدن، چرخیدن، پیچیدن، به پهلو دویدن، بلند کردن و پرتاب کردن در پایه‌ی اول، مهارت‌های پریدن، سر خوردن، خم شدن، باز شدن و دریافت کردن در پایه‌ی دوم و مهارت‌های لی لی کردن، جاخالی دادن، هل دادن، تاب خوردن و ضربه زدن با دست و پا در پایه‌ی سوم، از جمله مهارت‌های بنیادینی هستند که باید مورد تأکید قرار گیرند.

همچنین، آموزگاران باید توجه داشته باشند که در آموزش مهارت‌های پایه، با توجه به مقتضیات، از روش‌های تدریس متفاوتی استفاده کنند. به‌طور یقین، بهره‌گیری بیشتر از روش‌های مکاشفه‌ای و ترکیبی فرصت بیشتری را برای اکتشاف استعدادها و بالقوه‌ی دانش‌آموزان و تقویت توانایی‌ها و رشد حرکتی آنان ایجاد می‌کند و خلاقیت را نیز در آنان افزایش می‌دهد. بهره‌گیری از فضاها و تجهیزات مناسب و جذاب و استفاده از انواع بازی‌های کاربردی می‌تواند دستیابی به رشد حرکتی بهینه را تسهیل کند.

منابع

۱. ملانوروزی، کیوان؛ خلجی، حسن؛ شیخ محمود؛ اکبری، حکیمه (۱۳۹۰). تأثیر برنامه‌ی حرکتی منتخب بر رشد مهارت‌های دستکاری پسران ۴ تا ۶ سال. نشریه‌ی رشد و یادگیری حرکتی. شماره‌ی ۷.
۲. عمارتی، فرشته؛ نمازی‌زاده، مهدی؛ مختاری، پونه؛ محمدیان، فاطمه (۱۳۹۰). تأثیر بازی‌های دبستانی منتخب بر رشد ادراکی - حرکتی و رشد اجتماعی دختران ۹-۸ سال. نشریه‌ی پژوهش در علوم توانبخشی. سال ۷، شماره‌ی ۵.
۳. هی‌وود، کاتلین‌ام (۱۳۸۶). رشد و تکامل حرکتی در طول عمر. ترجمه‌ی مهدی نمازی‌زاده، و محمدعلی اصلانخانی. انتشارات سمت. تهران.
۴. رضائی‌نژاد، رحیم (۱۳۸۸). اصول و مبانی تربیت‌بدنی و ورزش. انتشارات بامداد کتاب. تهران.
۵. سراج‌زاده، غلامرضا و همکاران (۱۳۸۹). تربیت‌بدنی دوره‌ی ابتدایی. کتاب معلم (راهنمای تدریس). دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری. تهران.
۶. سلطانیان، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۱). ارزیابی پایایی و روایی‌سازی آزمون رشد حرکتی درشت در کودکان استان سمنان. نشریه‌ی کومش. جلد ۱۴.



۳. حرکات کنترلی مانند پرتاب کردن از بالا، پایین و دودستی در برنامه‌ی درس تربیت‌بدنی دوره‌ی ابتدایی نیز به مهارت‌های بنیادین حرکتی بسیار اهمیت داده شده است، به‌طوری که ۴۴ درصد هفته‌ها در پایه‌ی اول، ۴۸ درصد پایه‌ی دوم و ۳۶ درصد پایه‌ی سوم دوره‌ی ابتدایی به آموزش مهارت‌های بنیادین اختصاص پیدا کرده است. جدول زیر شماره‌ی هفته و مهارت حرکتی بنیادینی را که باید آموزش داده شود، نشان می‌دهد.

حرکتی پایه شامل عناصر حرکتی خاص است و عواملی مانند شیوه‌ی اجرای فردی یا ویژگی‌های شخصی را شامل نمی‌شود. کودک پس از رشد و پالایش این الگوها، با ترکیب آن‌ها می‌تواند حرکات پیچیده‌تر ورزشی یا فعالیت‌های روزمره را کسب و اجرا کند. این حرکات شامل سه گروه اصلی به این شرح‌اند:

۱. حرکات انتقالی مانند راه رفتن، دویدن، پریدن، لی لی کردن و...
۲. حرکات غیرانتقالی مانند چرخیدن، پیچیدن و بلند کردن

برنامه‌های درس تربیت‌بدنی برای بهبود مهارت‌های حرکتی پایه

پایه	شماره‌ی هفته (حرکت پایه)
اول	اول (راه رفتن)، دوم (دویدن)، پنجم (شناخت حرکات پایه)، هفتم (شناخت مفاهیم)، دوازدهم (به پهلو دویدن و سر خوردن)، چهاردهم (پرتاب یک دستی)، پانزدهم (چرخیدن، پیچیدن و بلند کردن)، هفدهم (پرتاب زبردست)، نوزدهم (راه رفتن، دویدن و سر خوردن)، بیست و یکم (مهارت در پرتاب دودستی)، بیست و پنجم (حرکات پایه و بازی)
دوم	اول (به پهلو دویدن)، دوم (پریدن)، ششم (دانشی)، دوازدهم (پرتاب کردن)، سیزدهم (دریافت کردن)، چهاردهم (خم و راست شدن)، پانزدهم (پرتاب کردن و گرفتن، زمین زدن و گرفتن)، شانزدهم (دریافت کردن)، هفدهم (جهت‌یابی)، نوزدهم (راه رفتن در مسیر مشخص)، بیست و یکم (مهارت در دریافت کردن)، بیست و دوم (ترکیب دویدن، پریدن با مهارت‌های دستکاری)، بیست و چهارم (جهت‌یابی)، بیست و ششم (دویدن و پریدن، لی لی کردن، با جهش رفتن)
سوم	اول (لی لی کردن)، دوم (شناخت مفاهیم از طریق حرکت)، دوازدهم (ضربه زدن با دست و پا)، سیزدهم (هل دادن و تاب خوردن)، پانزدهم (ضربه زدن با دست و پا در حال حرکت)، شانزدهم (شناخت مفاهیم از طریق حرکت)، بیستم (مهارت در ضربه‌زدن با دست و پا)، بیست و یکم (اجرای ترکیبی حرکات و مهارت‌های پایه)، بیست و پنجم (اجرای ترکیبی حرکات و مهارت‌های پایه)

تعریف بازی

بازی پدیده‌ای طبیعی است که ابعاد روانی و اجتماعی خاصی دارد. در دین اسلام و دستورات بزرگان دین توصیه‌های زیادی در مورد بازی در سنین کودکی شده است. **زیمِل** بازی را فرایندی برای آماده ساختن کودکان جهت ایفای نقش‌های بزرگسالان می‌داند. **ویر** به رواج بازی در طول تاریخ انسانی اشاره می‌کند و بر مفهوم بازی به عنوان مجموعه اهدافی که غالباً حس آن‌ها را رهبری می‌کند تأکید می‌ورزد.

کایوا در تعریف بازی این شرایط را می‌گنجاند: فرد آزاد و مستقل باشد، پای‌بند به قیود خاصی نباشد، رسیدن به نتیجه‌ی خاصی را دنبال نکند، از قواعد از پیش مشخص شده‌ای تبعیت نکند. **دوتریو و لویس** می‌گویند: بازی به معنای حرکت به کار می‌رود و یکی از چهار انگیزه‌ی بنیادینی است که فعالیت انسان را رهبری می‌کند. این چهار انگیزه عبارت‌اند از: جنس، خود، تجمع و بازی.



بازی با کودک چه می‌کند؟

بازی از مهم‌ترین عوامل در تربیت اخلاقی کودک و یکی از راه‌هایی است که مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی را به کودکان منتقل و سبب رعایت اصول اخلاقی به نحوی کامل‌تر نسبت به محیط خانه و مدرسه می‌شود. یکی از بهترین شیوه‌های آموزش غیرمستقیم به افراد و سبب کمک به کودک و شناخت و فهم او از دنیای اطراف خود و یادگیری تمایز میان واقعیت و تخیل می‌شود. کودک به هنگام بازی، ضمن کسب آگاهی درباره‌ی خود و دیگران، میزان توانایی‌های خود را با سایر افراد مقایسه می‌کند و به مفهوم روشن‌تر و واقع‌گرایانه‌تری از خود می‌رسد. او ضمن برقراری رضایت‌بخش‌ترین رابطه‌ها با دیگران و کسب لذت، نقش‌های متفاوت را بر عهده می‌گیرد. کودک از طریق بازی احساسات و ترس‌هایش را بیان می‌کند. یکی از نیازهای کودک در زندگی روزمره، علاوه بر کسب لذت، رهایی از نگرانی‌ها و فشارهای محیطی است و بازی بهترین وسیله‌ی رسیدن به این امر است. نقش بازی در پرورش و رشد عضلات کودک و صرف انرژی‌های اضافی و جلوگیری از هیجان عصبانیت و تندخویی، بسیار حیاتی است.

نقش بازی‌های دیروز در کودک دیروز

در گذشته، به دلیل نوع بازی‌های حرکتی، کودک توانایی‌ها و مهارت‌های بدنی فراوانی کسب می‌کرد و دایره‌ی ثروت حرکتی او گسترش می‌یافت، به گونه‌ای که الگوهای حرکتی فراوانی را فرا می‌گرفت و توانایی‌های حرکتی او افزایش می‌یافتند. بدین ترتیب، فرا گرفتن مهارت‌های حرکتی، چه در زمینه‌ی ورزش و چه در تحصیلات آموزشی، مانند مهارت نوشتن، نقاشی یا مهارت‌های اجتماعی، برایش آسان می‌شد. علاوه بر این فعالیت‌ها و بازی‌های حرکتی، آمادگی جسمانی، بهداشت عضو، ارتباط اجتماعی، تمرین قدرت رهبری، سلامت روان، مشارکت اجتماعی، یادگیری هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را در پناه این گونه بازی‌ها کسب می‌کرد.

بازی‌های امروزی، فایده‌ها و آسیب‌ها

اسکندر حسین پور

دانشجوی دکترای تربیت بدنی دانشگاه تهران (دبیر درس تربیت بدنی)

حبیب‌الله ولی‌زاده

کارشناس ارشد تربیت بدنی



بازی‌های امروزی و شرایط کودک امروزی

امروزه به دلیل پیشرفت فناوری و وجود بازی‌های الکترونیکی و دنیای مجازی کارکرد بازی و سهمی که این گونه بازی‌ها در زندگی کودکان دارند، فراوان است. رایانه، دنیای مجازی و فناوری رو به پیشرفت، نقش غیرقابل انکاری در جامعه‌ی امروزی دارند، به گونه‌ای که کمتر خانواده‌ای را در جوامع می‌توان یافت که به رایانه و شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی دسترسی نداشته باشند. بازی‌های رایانه‌ای نمادی از خلاقیت و توانمندی انسان در ایجاد دنیای مجازی هستند که به صورت روزافزون همه‌گیر می‌شوند و شاید بتوان علت این همه‌گیری را در نبود وقت کافی برای جست‌وجو در دنیای واقعی یا نبود امکانات برای ارضای حس کنجکاوی در دنیای بیرون دانست. بچه‌ها به این دلیل که بازی را با یک دستگاه تجربه می‌کنند و فضای طبیعی بازی‌های جمعی را در مدرسه، کوچه، پارک، محیط خانه و خانواده از دست می‌دهند، در نتیجه نسبت به آسیب‌های اجتماعی واکنش نمی‌شوند. رشد سریع فناوری‌های اطلاعات تأثیرات بسیاری بر عرصه‌ی فرهنگی داشته است و بازی‌های رایانه‌ای نیز بخشی از فناوری‌های نوین‌اند که تأثیر پایداری بر فرهنگ، رشد و تکوین شخصیت افراد و روش‌های آموزشی گذاشته‌اند و به دلیل پر کردن بیشتر اوقات فراغت کودکان، نوجوانان و جوانان نیازمند توجه بیشتری هستند. این گونه بازی‌ها، اثرات مثبت اندک و آسیب‌های جسمی و روانی زیادی برای نسل آینده‌ی این مرزوبوم در پی دارند.

آسیب‌های بازی‌های امروزی

«**ضعف عضلانی و حرکتی:** که خود عاملی برای ابتلا به انواع بیماری‌ها نظیر چاقی، کمردرد، صدمه‌های چشمی، اسکلتی، پوستی، عوارض سیستم اعصاب مرکزی، تغییر در سوخت‌وساز بدن، واکنش‌های قلبی و عروقی، چاقی، تضعیف قوای فکری، عوارض گوارشی، خستگی مزمن و... است.

«**تقویت حس پرخاشگری:** مشخصه‌ی اصلی این بازی‌ها خشونت است. کودک باید با تمام توان خود پرخاشگر شود تا به مرحله‌ی بعد دست یابد. تکرار و استمرار چنین بازی‌هایی کودک را پرخاشگر و ستیزه‌جو بار می‌آورد.

«**انزوای طلبی:** یکی دیگر از آسیب‌هایی که این بازی‌ها دارد، ایجاد روحیه‌ی انزوای طلبی در کودکان است. کودک به دلیل جذابیت بازی‌های رایانه‌ای از جمع کناره‌گیری می‌کند تا وقت بیشتری را به بازی اختصاص دهد. روحیه‌ی انزوای طلبی باعث جدا شدن کودک از جمع هم‌سالان و حتی خانواده می‌شود و این امر تبعات و آسیب‌های دیگری در پی خواهد داشت.

«**تنبل شدن ذهن:** به دلیل ناتوانی دخیل و تصرف در این بازی‌ها، ذهن او تنبل می‌شود (برخلاف نظر والدین که این بازی‌ها را فکری می‌دانند) و از نظر حرکت جسمی، تنها چند انگشت را به کار می‌گیرد.

«**افت تحصیلی:** به دلیل وقت و انرژی زیادی که کودکان برای این بازی‌ها می‌گذارند، کودکان زمان کمتری را صرف تکالیف درسی خود خواهند کرد و دچار افت تحصیلی خواهند شد.

«**افت اخلاقی:** از دیگر عوارض این بازی‌ها افت اخلاقی و رفتاری در کودکان و نوجوانان است. هویت‌هایی که در این بازی‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند، خالی از مهر، خشن، ستیزه‌جو و دروغ‌گویی هستند. این افراد معمولاً در مورد مدت‌زمان انجام بازی به دیگران و خانواده‌ی خود دروغ می‌گویند و یا حتی بسیاری از کارها و قرارهای خود را به دلیل انجام بازی به هم می‌زنند و برای دیگران دلایل دروغی می‌آورند.

«**تأثیر منفی در روابط خانوادگی:** کاهش ارتباط گرم و صمیمی بین اعضای خانواده.

«**عادات نادرست:** واژه‌ی عادات نادرست به وابستگی فرد به موضوع یا اشیا اشاره دارد که چنانچه فرد مدتی از آن‌ها دور بماند، تغییری در وی روی می‌دهد که تنها با حضور مجدد آن موضوع یا شیء آرام می‌شود.

راه حل

با توجه به اثرات منفی بازی‌های رایانه‌ای در بین دانش‌آموزان و اثرات سوء آن نظیر کم‌تحركی و چاقی و اثرات منفی این وضعیت در سلامت دانش‌آموزان و جامعه، **توجه به ساعت درس تربیت‌بدنی و بازی‌های ورزشی با تحرک کافی، ضرورتی انکارناپذیر است.** اهمیت دادن به ورزش در دوران کودکی امری مهم و حیاتی است. زیرا کودک همواره در حال رشد است و رشد مطلوب و همه‌جانبه‌ی او می‌تواند در زندگی آینده‌اش بسیار مفید و مؤثر واقع شود. اگر کودکان به‌طور منظم ورزش نکنند، عادت به این کار پیدا نخواهند کرد و هرچه بزرگ‌تر می‌شوند به نشستن پای تلویزیون یا انجام بازی‌های رایانه‌ای عادت می‌کنند. برنامه‌ریزی درس تربیت‌بدنی و ورزش در دبستان باید به گونه‌ای صورت گیرد که توجه خوبی به حرکت جسمانی، رشد و تکامل قوای جسمانی صورت گیرد. بنابراین، اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن به آموزگاران درباره‌ی مزایای ورزش در دوران کودکی، به فرهنگ‌سازی در این امر کمک می‌کند و به داشتن نسلی شاداب و سالم منجر می‌شود.

– منابع در دفتر مجله موجود است.



مگو بگوی معلم‌ها صفحه‌ای است برای
طرح مسائل و مشکلات و پیشنهادهای
معلمان عزیز. ممکن است همکاران گرامی
و به‌خصوص مدیران ارشد آموزش و پرورش،
جواب‌هایی به این مگو بگوها داشته باشند.
این صفحه می‌تواند با انتشار پاسخ‌هایی
که از همکاران عزیز می‌رسد، به صفحه‌ای
پر بارتر تبدیل شود. پس درخواست داریم با
طرح مشکلات حرفه‌ای خود، مجال گفت‌وگو
با دیگر همکاران را نیز فراهم کنید.
نکته: طرح این مسائل فقط انجام رسالت
ماهنامه در انتشار نظرات معلمان و همکاران
عزیز است و به معنای تأیید محتوای
نوشته‌ها نیست.



حرف‌های مگو، بگوی معلم‌ها

معایب ارزشیابی توصیفی

ارزشیابی توصیفی نسبت به ارزش‌های تحصیلی دانش‌آموزان دیدگاه کامل‌تری دارد و روش‌های فعال تدریس، به‌عنوان پیش‌شرط تحقق آن مطرح است. در ارزشیابی توصیفی، به جنبه‌های مهارت ذهنی و ابعاد اجتماعی، عاطفی و روانی دانش‌آموزان توجه شده که در نظام ارزشیابی سنتی، مورد بی‌مهری و فراموشی قرار گرفته است. همچنین، با توجه به ابعاد متفاوت شخصیت دانش‌آموزان و وجود فرایندهای عالی ذهنی و تفکر انتقادی و خلاق در آن‌ها، نمی‌توان با آزمون مداد کاغذی، که تنها ابزار ارزشیابی سنتی هستند، به سنجش و ارزیابی آن‌ها پرداخت. اما این نوع ارزشیابی معایبی دارد که به شرح زیرند:

۱. استفاده از این نوع ارزشیابی متناسب کلاس‌های پر تراکم نیست و این در حالی است که در اکثر مدارس شهری و بعضی از مدارس روستایی، تعداد دانش‌آموزان کلاس‌ها زیاد است.
۲. آموزش ناکافی معلمان برای اجرای درست این طرح در مدارس، باعث شده است آنان استقبال لازم را از این ارزشیابی نکنند.
۳. توجیه نشدن والدین در خصوص همکاری لازم با مدرسه، از بزرگ‌ترین مشکلاتی است که معلمان با آن مواجه‌اند.
۴. تناسب نداشتن برنامه‌های درسی با نحوه استفاده از ابزارهای ارزشیابی توصیفی، باعث پایین آمدن کیفیت ارزشیابی شده است.
۵. زمینه‌ای برای دانش‌آموزان کم‌کار و بستری برای شانه خالی کردن از انجام تکالیف برای این دسته فراهم شده است.

۶. از آنجا که انجام این طرح مستلزم داشتن وقت زیاد است، به‌نظر می‌رسد تراکم دانش‌آموزان به‌طور مستقیم بر روی کار و فعالیت معلمان تأثیر منفی دارد و چنانچه به این موضوع توجه نشود، معلم هرچند علاقه‌مند است، به خاطر عقب نماندن از بودجه‌بندی، مجبور است به شیوه‌های دیگر ارزشیابی دست بزند.

۷. نداشتن آهرم‌های لازم برای ایجاد رقابت بین فردی باعث شده است انگیزه‌ی یادگیری دانش‌آموزان به حداقل برسد. همین موضوع سبب شده است اکثر دانش‌آموزان دچار افت تحصیلی شوند و با سواد علمی کم وارد دوره‌ها یا پایه‌های بالاتر شوند.

۸. اجرای ارزشیابی توصیفی تنها در پایه‌ی ششم دبستان، کارایی لازم را ندارد، به این دلیل که دانش‌آموزان در پایه‌ی هفتم با ارزشیابی کمی مواجه می‌شوند.

چرا نگاره‌ها را حذف کنیم؟

کاش خانم زهرا زمانیان، در مجله‌ی شماره ۱۵۰ رشد آموزش ابتدایی*؛ وجود نگاره‌های فارسی اول دبستان را بنا به دلایل زیر، زیر سؤال می‌برد!

۱. کلاس اولی امروزی هم‌چون من معلمش، در اتاقی پر از مو و مور و موش چشم به دنیای غنی نگشوده بلکه؛ در بهداشت‌گاهی مملو از انسان و صابون و تومان چشم به دنیای غنی گشوده و خواه ناخواه به اهداف آموزشی و پرورشی نهفته در آن‌ها از طریق تلویزیون، گوشی، تبلت و دیگر ابزارهای آموزش غیررسمی دست یافته.

۲. به شیوه‌ی غیررسمی و طبیعی تقویت انشاء نیز شده چرا که منظور از تقویت انشاء به کمک

نگاره و تصویر، همین جمع‌آوری اطلاعات است نه آموختن نوشتن.

البته، اگر نگاره‌ها نقش مورد انتظار در انشا می‌داشتند شاهد واقعیت ناخوشایند زیر نمی‌بودیم.

تعداد پاسوادی که نمی‌توانند بنویسند ← تعداد پاسوادی که می‌توانند بنویسند

۳. این رابطه پیام می‌دهد که کتاب فارسی اول ابتدایی را به نوشتن و خواندن اختصاص دهیم و از تعداد ببین و بگوی آن بکاهیم در غیر این صورت؛ کما کان فرع و حاشیه را بر اصل ترجیح داده‌ایم!

بلی، انفجار اطلاعات و دهکده‌ی جهانی قبل از بخش ۱ کتاب کودکان را آماده‌ی آموزش فارسی کرده‌اند! مؤید این گفته‌ها و حذف نگاره‌ها، نظریه‌ی «Deschooling society» است. ایوان ایلچ اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ نظر داد که آموزش خارج مدرسه‌ای واقعی و دلخواهی است اما، کتاب درسی و تصاویر آن تحمیلی.

۴. معلم می‌تواند بدون نگاره‌ها و در جریان الفباآموزی هم اختلالات زبانی را رفع نماید و مطالب دینی، حفاظتی و غیره را عینی و عملی سازد. دانش‌آموزان را به تفکر و تقویت حواس وادارد و با مسجد و کتابخانه و روستا آشنا سازد.

مطلب خانم زهرا زمانیان را می‌توانید در لینک زیر ببابید:

<http://www.roshdmag.ir/fa/article/14339>

عذرا قدبیگی
آموزگار دبستان
شهید بختیاری شازند،
کارشناسی ارشد

حسین محمدیان
آموزگار - سردشت

ملاحظات بر ثبت عملکرد دانش آموزان ابتدایی

هر ساله در آغازین روزهای فصل پاییز و شروع سال تحصیلی جدید، شوقی عظیم و خونی تازه در رگ‌های آموزش و پرورش می‌دود. بر متولیان آموزش و پرورش است که از این نیروی عظیم و شور و نشاط حاکم بر فضای مدارس سود ببرند و با رویی گشاده معلمان و دانش‌آموزان را به انجام فعالیت‌های بهتر، پویاتر و کارآتر تشویق و ترغیب کنند. اگر چه در بسیاری از موارد تغییر سبک و ساختار آموزش و ارزشیابی و ... به پویایی علم‌آموزی کودکان سرزمینمان کمک کرده است، اما گاهی هم با کم‌لطفی‌ها و کج‌سلیقگی‌هایی مواجه بوده‌ایم.

ابلاغ طرح جدید برای نحوه ثبت عملکرد دانش آموزان

در شروع سال تحصیلی ۹۵-۹۶ طرحی به مدارس ابلاغ شد که در راستای همان طرح، دفتر ثبت فعالیت‌های کلاسی و کاربری پوشه‌ی کار دانش‌آموزان دچار تغییر و دگرگونی شد. اگرچه این تغییرات از لحاظ تئوری بسیار مثبت و سازنده به نظر می‌رسند و نشان‌دهنده‌ی حساسیت و بهبودطلبی مدیران آموزش و پرورش هستند، اما به‌عنوان فردی دلسوز، و به پشتوانه‌ی وجدان کاری و تجربه‌ی ناچیزم و به مصداق ضرب‌المثل تجربه بالاتر از علم است، لازم دیدم مواردی را مطرح کنم.

دفتر ثبت فعالیت‌های کلاسی؛ نقاط ضعف و قوت

در سال‌های گذشته، دفتر ثبت فعالیت‌های کلاسی کاستی‌هایی داشت و هنوز هم دارد. برای مثال، معلم علاوه بر بخشی که باید بتواند در آن توصیف خود را از عملکرد و ویژگی‌های دانش‌آموزان ارائه دهد و هم‌اکنون در دفاتر کلاسی وجود دارد، باید بخشی در اختیار داشته باشد که بتواند ارزیابی‌های مستمر را در آن ثبت کند. چیزی شبیه دفتر نمره‌های قدیمی که هر معلم بنا به ضرورت کلاس خود و موارد مورد نیاز، آن را بخش‌بندی می‌کرد و نتایج کار دانش‌آموزانش را در آن ثبت می‌کرد. به نظر من، در درس‌های به اصطلاح خواندنی، برای مثال درسی مانند مطالعات، که اهداف هر درس مشخص است، با برگزاری آزمون‌های درس به درس و ثبت امتیاز برای هر درس می‌توان به جمع‌بندی برای هر دانش‌آموز یا حتی کل کلاس رسید، بدون اینکه نیازی به نوشتن اهداف با تفکیک وجود داشته باشد. دانش‌آموزی که به ۹۰ درصد سؤالات پاسخ داده است، احتمالاً به حدود ۹۰ درصد از اهداف آموزشی دست یافته است.

ضمن اینکه راندمان کار کلاس در آن درس خاص، پیشرفت افقی که همان پیشرفت به مرور زمان است و نحوه‌ی عملکرد آموزگار، به راحتی از این جداول قابل استخراج است؛ بدون اینکه به کاغذ بازی و صرف وقت و هزینه‌ی اضافی نیاز باشد. همچنین، جمع‌بندی عملکرد هر دانش‌آموز و کل دانش‌آموزان در این روش آسان‌تر است. مثلاً وقتی دانش‌آموز از فصل ۱ امتیاز ۷۵ درصد، از فصل ۲ امتیاز ۸۰ درصد، از فصل ۳ امتیاز ۹۰ درصد از فصل ۴ امتیاز ۶۰ درصد کسب کند، رشد و پیشرفت تحصیلی او در فصل‌های ۱ تا ۳ معلوم است و افت ناگهانی در فصل ۴ باید بررسی شود. یا برای مثال، اگر تمام دانش‌آموزان در فصل ۴ افت داشته باشند، می‌توان از کتاب یا روش تدریس معلم یا زمان‌بندی نامناسب و غیره ایراد گرفت و برای رفع آن چاره اندیشید.

ثبت عملکرد برای درس ریاضی

در اینجا باید اضافه کنم، برای درسی مثل ریاضی، کما اینکه ما در گذشته از این روش بهره برده‌ایم، می‌توان با توجه به تعدد مباحث هر فصل، یک برگه‌ی چک‌لیست مجزا در نظر گرفت و در آن اهداف هر فصل را به تفکیک مشخص کرد. با برگزاری آزمون‌های پایانی فصل یا خرده آزمون‌هایی که در طول تدریس گرفته می‌شوند، به محض دستیابی هر دانش‌آموز به اهداف، برای او تیک زد. به این ترتیب، اشکالات هر فصل برای تک‌تک دانش‌آموزان و کل کلاس به خوبی قابل استخراج خواهد بود و مهم‌تر آنکه نتایج کل دانش‌آموزان در یک‌جا جمع می‌شود و می‌توان آن‌ها را بررسی و رفع اشکال کرد. وقتی برای مثال در بحث مقایسه‌ی اعداد مثبت با منفی، بیش از نیمی از کلاس به سؤال‌ها پاسخ مناسب نداده‌اند، معنای آن لزوم آموزش مجدد و تکرار و تمرین بیشتر است.

کاربرد پوشه‌ی کار

دانش‌آموزان ما به هر حال باید پوشه‌ی کار داشته باشند، اما نه با صرف هزینه برای امور غیرمعارف و محض نمایش. در سال‌های گذشته هم دانش‌آموزان موظف بودند تمام آزمون‌ها و تحقیقات و نمونه کارهای خود را به ترتیب در پوشه قرار دهند. اولیا با یک نگاه اجمالی به پوشه‌ی کار که بیشتر فعالیت‌های فرزندشان را دربرداشت، به روند صعودی و نزولی نقاط ضعف و قوت او واقف می‌شدند. اگر هم نقصی در پوشه‌ی کار وجود داشت، با مراجعه به مدرسه و بررسی چک‌لیست معلم آشکار می‌شد. مثلاً وقتی دانش‌آموز در روز آزمون فصل ریاضی در مدرسه حضور داشته و متعاقباً در آزمون این فصل شرکت کرده است، ولی برگه‌ی آن را در پوشه ندارد، نقص کار هویدا می‌شود. در عین حال که نمره یا درصد ثبت شده در چک‌لیست معلم نمایانگر عملکرد اوست. این روش باعث می‌شود دانش‌آموز مجموعه‌ای کامل از آزمون‌های مختلف که تمام درس‌ها و فصل‌ها و مباحث کتاب را دربردارد - و نه گزینشی از آن‌ها - در اختیار داشته باشد و بتواند برای آزمون‌های جامع‌تر به آن‌ها استناد و حتی اشکالات خود را بررسی و رفع کند. ضمن اینکه می‌توان از دانش‌آموزان خواست در موارد متعدد به سراغ آزمون‌های خود بروند و سؤالاتی را که به آن‌ها پاسخ اشتباه داده‌اند، در دفتر تکلیف یادداشت و پاسخ درست آن‌ها را پیدا کنند. این روش بسیار مفیدتر از آن است که ما هر بار درگیر این حرف‌ها باشیم که این نمونه برای پوشه‌ی کار شما خوب است یا آن نمونه را از پوشه‌ها خارج کن، چون تاریخ مصرفش تمام شده است!

نتیجه‌گیری

در پایان لازم می‌دانم یادآوری کنم، هر معلمی مدیر کلاس خود است. باید دست معلم را برای تدریس، ارزیابی، جمع‌بندی و روش کار، در چارچوب مقررات کلی، باز گذاشت. اجبار به استفاده از روش‌های وقت‌گیر و غیر کاربردی در کلاس‌های پرجمعیت و ناهمگون، چیزی جز نارضایتی و اجرای ناقص و نمایشی در پی نخواهد داشت. در ضمن، هدف اصلی همه‌ی ما باید یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزانمان باشد؛ حال با هر روش صحیح و وسیله‌ای که معلم از آن بهره برده است. همچنین، در اجرای هر طرحی باید امکانات مدارس، تراکم و وضعیت دانش‌آموزان و حجم و محتوای کتاب‌های درسی را در نظر بگیریم.

کلام آخر آنکه همه‌ی ما در تلاشی به بهترین شیوه‌ای که می‌شناسیم، به غنی شدن فرایند آموزشی آینده‌سازان سرزمینمان کمک کنیم. اینجانب بر خود لازم می‌دانم، از بذل توجه مدیران عالی که با بررسی راه‌های متفاوت، انجام تحقیقات گسترده و ارسال شیوه‌نامه‌های گوناگون، سعی در بهبود روش‌های آموزشی دارند، تشکر کنم.

ارزش توصیف در ارزشیابی

کبری محمودی

کارنامه‌ی امسال پسر من متفاوت از سال‌های پیش است. از دیدن آن خیلی خوش‌حال شدم. چند بار براندازش کردم. شاید حدود یک ساعتی مدام گزینه‌هایش را بررسی کردم. چند تا «بسیار خوب» دارد. حتی چند تا «نیاز به تلاش» هم دارد.

بیا باید با تصویر درباره‌ی آن حرف بزنیم. از درس فارسی شروع می‌کنم. هر ساله، فارسی او «خوب» ارزشیابی می‌شود، در حالی که به نظر من مادر و خودش، او در فارسی «بسیار خوب» و حتی «عالی» است. راستش تا به امروز، ما متوجه نشده بودیم چرا این همه اختلاف نظر بین ما و مدرسه وجود دارد. گاهی پسر من فکر می‌کرد معلم با او لجبازی می‌کند. به قول خودش: «شاید خانمون از من خوش نمی‌یاد؟!»

اما امروز و در این کارنامه، همه چیز به وضوح قابل درک است. او در فارسی هم خوب دارد، هم بسیار خوب و هم قابل قبول. همان‌طور که در کارنامه می‌بینید، در ارزشیابی درسی مثل فارسی، هفت مورد لحاظ شده است. پسر من در موارد ۱، ۲، ۳ و ۴ «بسیار خوب»، در مورد ۵ «خوب» و در موارد ۶ و ۷ «قابل قبول» معرفی شده است. این مفاهیم به خوبی نشان می‌دهند، این دانش‌آموز در نوشتن به خط تحریری و نیز در تعامل با دیگران ضعف دارد و لازم است در این موارد بیشتر بکوشد.

این توضیحات توصیفی، نه تنها مرا، بلکه خود دانش‌آموز را نیز متوجه می‌کند که چرا تا به حال در فارسی نتیجه‌ی خوب می‌گرفته، نه بسیار خوب. جالب این‌جاست که خودش گفت: «هامان اینا که کاری نداره. دفعه‌ی بعد،

ردیف	شرح عملکرد درسی (الزامی توصیفی - ساحت‌های یادگیری)	مهر و نشان					نمره و درجه				
		بسیار خوب	خوب	قابل قبول	نیاز به تلاش	نیاز به تلاش بیشتر	بسیار خوب	خوب	قابل قبول	نیاز به تلاش	نیاز به تلاش بیشتر
۱	آیات و عبارات قرآنی کتاب درسی را به صورت صحیح و روان می‌خواند.										
	مفهوم یا معنای پیام قرآنی را به زبان ساده بیان می‌کند.										
	به قرآن احترام می‌گذارد و هنگام شنیدن آن سکوت می‌کند.										
	نسبت به خواندن آیات و عبارات قرآنی از روی مصحف شریف علاقه نشان می‌دهد.										
	داستان‌های کتاب درسی را با ذکر جزئیات بیان می‌کند.										
۲	خداوند را باور خود می‌داند و او را به واسطه‌ی حمایت‌هایش سپاسگزاری می‌کند.										
	نمونه‌هایی از رفتارهای بی‌اسیر و نامراییان می‌کند و به ایشان احترام می‌گذارد.										
	فعالیت‌های مربوط به کتاب کار را درست و به موقع انجام می‌دهد.										
	حضورت مریم را با ویژگی‌های متعددی معرفی می‌کند و در مورد آن توضیح می‌دهد.										
	از زندگی حضرت عیسی داستان‌هایی بیان می‌کند و برای الگو گرفتن از زندگی ایشان تلاش می‌کند.										
۳	نمونه‌هایی متنوع از عملکردهای قرآنی و نتایج خوب آن را بیان می‌کند.										
	به نمونه‌های متنوعی از تقسیم و هماهنگی پدیده‌های خلقت و به عنوان دلیلی بر یگانگی خدا اشاره می‌کند.										
	با استفاده از کارهای ارزشی مناسب به پرسش‌ها پاسخ می‌دهد.										
	به‌طور مناسب و مؤثر در برابر جمع سخن می‌گوید در خواندن متون نثر و شعر توانایی دارد.										
	در نقد و تحلیل متن توانایی دارد.										
۴	درباره‌ی یک موضوع متنی ساده می‌نویسد.										
	اصول درست‌نویسی و علائم نگارشی را رعایت می‌کند.										
	در گفتگو با دیگران مشارکت فعال دارد و پیام خود را به صورت متسجم بیان می‌کند.										
	کلمات را صحیح و زیبا و خط‌خوش می‌نویسد.										
	پیام اصلی متن شنیداری را با ذکر جزئیات بیان کرده و به پرسش‌های با استدلال پاسخ می‌دهد.										
۵	در ضرب و تقسیم اعداد چندرقص مسائل مربوط به آن مهارت دارد.										
	عدد نویسی تا ۱۲ رقم را انجام می‌دهد و به خوبی اعداد را مقایسه می‌کند.										
	کسرها و اعداد مخلوط را مقایسه و جمع و تفریق می‌کند.										
	ضرب و تقسیم کسرها و اعداد مخلوط را انجام می‌دهد. (رسم شکل)										
	رابطه‌ی الگوهای عددی و هندسی مختلف را پیدا کرده و الگو را ادامه می‌دهد.										
۶	مسائل را به خوبی درک کرده و آن‌ها را حل می‌کند.										
	جمع و تفریق اعداد مرکب را انجام می‌دهد.										
	در شناخت نسبت‌های مساوی و تناسب را مهارت دارد.										
	تمرین‌ها و مسائل مربوط به نسبت و تناسب و درصد را حل می‌کند.										
	تمرین‌های مربوط به تقارن معیاری و مرکزی را به خوبی انجام می‌دهد.										
۷	تقارن و قرینه‌ی یک نقطه را نسبت به خط رسم می‌کند.										
	در رسم زاویه و ایستار مهارت لازم را دارد.										
	تمرین‌های مربوط به مجموع زاویه‌های اشکال هندسی را انجام می‌دهد.										
	اعداد اعشاری را می‌شناسد و انواع عملیات آن را انجام می‌دهد.										
	مساحت اشکال ثوبعدی و حجم اشکال سه‌بعدی و مسائل آن را انجام می‌دهد.										
۸	تمرین‌های مربوط به آمار و احتمال و اهداف فصل ۷ کتاب را انجام می‌دهد.										

ادب و تاریخ

فارسی رو بسیار خوب می‌گیرم. اما تو ریاضی نمی‌تونم. آخه خانمون راست گفته. من مسئله‌ها رو نمی‌تونم حل کنم. به نظرت چه کار کنم؟»

چند لحظه به این دو جمله که از پسر من نقل قول کردم، دقت کنید. در اولی، چون نمی‌دانست ضعف کارش کجاست، گمان می‌کرد معلم با او لج دارد یا از او خوشش نمی‌آید، اما در دومی، تنها به خاطر چند توصیف و توضیح ساده، دانش آموز اقرار می‌کند که معلمش را درست گفته. من فلان چیز را بلد نیستم. در وهله‌ی اول، او می‌داند و می‌فهمد که می‌تواند ضعف خود را برطرف کند و سپس متوجه ضعف می‌شود و می‌داند که نیاز به کمک گرفتن از دیگران دارد.

به همین سادگی! ارزشیابی توصیفی، اگر به درستی انجام گیرد، به همین سادگی مشکلات بسیاری را حل می‌کند. اگر هر کسی بداند گره کارش در کجاست، به اولین و شاید مهم‌ترین مرحله‌ی حل مشکل رسیده است. ذهن پسر من درگیر مسئله‌ای شد که ناخودآگاه به آن فکر خواهد کرد. مهم این است که خود مسئله را کشف کرده و آن را پذیرفته است.

در این کارنامه، در برابر هر درس، چند مهارت مطرح شده و توانایی دانش‌آموز در هر یک محک می‌خورد. فارسی یک موضوع کلی است. اما خود این موضوع، به چند مهارت اساسی تقسیم شده است و توانمندی فرد در هر کدام از این مهارت‌ها مورد توجه است. این شیوه از ارزشیابی، اصلاً با نمره قابل توصیف نیست. در کارنامه‌های قدیمی، فارسی یک موضوع بود و ریاضی هم یک

موضوع. وقتی دانش‌آموزی نمره‌ی ۱۹ یا ۱۴ یا حتی زیر صفر می‌گرفت، فقط می‌فهمید که کدام سؤال‌ها را غلط و کدام‌ها را درست نوشته است. او به راحتی متوجه نمی‌شد در چه مهارتی ضعیف یا قوی است. اما در این شیوه، چنانچه به درستی اجرا شود، چنانچه توصیف انجام شود، چنانچه فارسی یا ریاضی یا هر کدام از درس‌ها یک مهارت کلی در نظر گرفته نشوند و جزء به جزء آن‌ها بررسی و سنجیده شود، هدف واقعی از ارزشیابی حاصل خواهد شد. یعنی ارزشیابی برای یادگیری صورت خواهد گرفت، نه به منظور اعلام نتیجه‌ای بی‌حاصل.

در تعریف ارزشیابی توصیفی گفته‌اند: «فرایند جمع‌آوری، تجزیه، تحلیل و تفسیر اطلاعات حاصل از به کارگیری ابزارهای سنجش و ارائه‌ی بازخورد توصیفی در جهت هدایت این جریان به سوی تحقق اهداف.» لازم است یادآوری کنم، پسر من اولین محصول سند برنامه‌ی درسی ملی و ارزشیابی توصیفی است. یعنی اولین سال ورود او به مدرسه، مصادف بود با تولد این سند و این طرح. بنابراین، اولیای هم‌کلاسی‌های او، از همان روزهای اول، آرزو می‌کردند کاش فرزندشان یک سال زودتر یا حتی دیرتر به مدرسه می‌آمد تا موش آزمایشگاهی ارزشیابی توصیفی نمی‌شد. آن‌ها معنی ۱۹ و ۲۰ و ۱۱ و ۱۲ را خوب متوجه می‌شوند، اما بسیار شنیده‌ام که بر سر فرق بسیار خوب و خوب اختلاف نظر دارند. بارها شنیده‌ام که می‌کوشند معادل عددی این توصیف‌ها را برای فرزندانشان معنا کنند.

سال گذشته (۱۳۹۴) پنجمین سال بود

که ارزشیابی توصیفی به طور رسمی جریان داشت. من و پسر من توصیف را در این طرح حس کردیم. برای اولین بار به معادل نمره‌ای نتیجه‌های کارنامه فکر نکردیم. اصلاً مهم نبود نمره‌ی فارسی در مجموع چند شده است. آنچه مهم بود، پیدا شدن نقاط ضعف و قوت بود. متأسفم برای سال‌هایی که از دستشان دادیم؛ سال‌هایی که می‌توانستیم به جای گرفتن بازخوردهایی در حد فقط یک کلمه در هر درس، به این روشنی از وضعیت ضعف و قوت دانش‌آموزان باخبر شویم! راستش متأسفم برای دانش‌آموزانی که هنوز هم به شیوه‌ی نادرست ارزشیابی توصیفی می‌شوند! اگر امسال معلم فعلی پسر من این آموزگار نبود، شاید پسر من ابتدایی را تمام می‌کرد، بی‌آنکه به درستی در ارزشیابی توصیف شود. یعنی ارزشیابی توصیفی این همه به شخص معلم بستگی دارد. و چه خوش شانس است پسر من!

گمان نمی‌کنم دور از ادب باشد در آغوش گرفتن و بوسیدن دست‌های خانم معلم پسر من. دیروز به سختی مرخصی گرفتم و با اکراه به مدرسه رفتم تا کارنامه‌ی پسر من بگیرم. اما امروز با شوق و با شاخه‌ای گل به خدمت معلمش رسیدم تا دستش را ببوسم و از او تشکر کنم، به خاطر این مرزه‌ی خوش که به کام ما نشاند. آیا باز هم آموزگاری یک مادر را چنین هیجان‌زده و خوشنود خواهد کرد؟ آیا دیگر دانش‌آموزان سرزمینم هم می‌توانند طعم خوش ارزشیابی توصیفی را بچشند؟ کاش می‌توانستم معلم پسر من را تشکر کنم! من نمی‌توانم، چون معلم نیستم و تنها یک مادرم. اما آیا شما می‌توانید؟

یک راهنما برای کمک به والدین در درک ارزشیابی توصیفی

ارزشیابی کیفی - توصیفی در نگاهی ساده

مصطفی زندیه
مدرس ارزشیابی کیفی - توصیفی

*** موضوع:** آشنایی با فرایند سنجش و ارزشیابی تحصیلی و چگونگی مشارکت اولیا با معلمان
*** مخاطب:** والدین دانش‌آموزان کلاس اول در سال تحصیلی ۹۵-۹۶
*** هدف:** دادن اطلاعاتی مختصر و ساده از شیوه‌های جدید ارزشیابی، به پدران و مادرانی که در سال تحصیلی پیش‌رو دانش‌آموز پایه‌ی اولی دارند.

۲. شرکت در جلسات آموزشی که با هماهنگی و دعوت قبلی در ایام تابستان و در پایان هر ماه، در طول سال تحصیلی، در کلاس فرزند دل‌بندتان تشکیل می‌شود.
۳. استفاده از اطلاعات کاربردی که آموزگار محترم در مورد شیوه‌های جدید تدریس و ارزشیابی به شما می‌دهد.
۴. کمک در طراحی و مدیریت پوشه‌ی کار: پوشه‌ی کار، آلبوم فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموز است که در طول دوره‌ی آموزشی، با کمک معلم و دانش‌آموز و یاری والدین، به شکلی منظم و هدفمند طراحی و تولید می‌شود.

پوشه‌ی کار

شیوه‌ی جدید استفاده از پوشه‌ی کار در بعضی مدرسه‌ها خانواده محور است، یعنی به جای اینکه در کلاس نگهداری شود، دانش‌آموز آن را به منزل می‌برد و پوشه با کمک والدین محترم مدیریت می‌شود. در این باره، چند نکته قابل ذکر است: والدین پوشه‌ی کار را در ابتدای سال تحصیلی از آموزگار محترم تحویل می‌گیرند.
تهیه‌ی پوشه ۵۰ برگ یا تعدادی کاور کاغذ A۴ و گیره‌ی پوشه برای قرار دادن تولیدات دانش‌آموزان در آن ضروری است. استفاده از این ابزار باعث می‌شود برگه‌های دانش‌آموزان مانند آلبوم عکس قابل ورق زدن باشد.
موضوع محور کردن پوشه‌ی کار به کمک چندین برگه؛ یعنی درس‌های فارسی، بنویسیم، املا، ریاضی، علوم و هنر از هم تفکیک شوند.
برگه‌هایی از دانش‌آموز در پوشه‌ی کار قرار می‌گیرد که معلم تصحیح کرده و دارای بازخورد توصیفی باشد.

والدین محترم، فرزند کلاس اولی شما در شرایطی آموزش می‌بیند که براساس طرح تحول بنیادین، شیوه‌های ارزشیابی از سیستم نمره‌ای به روش کیفی و توصیفی تغییر یافته است. با وجود گذشت هشت سال از اجرای فراگیر این برنامه، هنوز بیشتر خانواده‌ها به دنبال روش‌های سنتی و نمره‌ای هستند، زیرا خود با روش جدید آشنا نیستند و با روش قبلی تربیت شده‌اند. شیوه‌ی جدید ارزشیابی کیفی و توصیفی مزایا و فواید بسیاری دارد که در این مطالب سعی می‌شود با زبانی ساده و کاربردی به آن‌ها اشاره شود.
امروزه در بیشتر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه‌ی دنیا روش‌های نمره‌ای و سخت‌گیرانه کنار گذاشته شده‌اند و در آموزش و یادگیری از روش‌های کیفی استفاده می‌شود. در کشور ما هم که در حال توسعه و پیشرفت است، ضرورت دارد از شیوه‌های سنتی آموزشی فاصله بگیریم و فرزندان خود را با استفاده از روش‌های نوین و پیشرفته‌ی آموزشی و تربیتی بی‌روانیم.
شورای عالی آموزش و پرورش که بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در نظام آموزشی ایران است، در مصوبه‌ی خود، تغییر نظام آموزشی از نمره‌ای به کیفی - توصیفی را در دوره‌ی دبستان تصویب کرده و تمامی مدیران و معلمان ملزم به اجرای آن شده‌اند. بنابراین، لازم است والدین محترم دانش‌آموزان دبستانی، مخصوصاً در پایه‌ی اول، اطلاعات و دانش خود را در این حوزه افزایش دهند و به عنوان بازوایی توانمند یار و مددکار آموزگار و مدرسه‌ی فرزند خود باشند.
شیوه‌هایی که اولیا می‌توانند در رابطه با موضوع ارزشیابی به آموزگارش کمک کنند، عبارت‌اند از:
۱. استقبال از بسته‌ی آموزشی که در اختیار والدین محترم قرار می‌گیرد.

والدین و دانش آموز با ورق زدن برگه های پوشه ی کار، تلاش، پیشرفت و نتیجه را مشاهده می کنند و شاهد رشد و موفقیت صاحب پوشه می شوند.

پدران و مادران با ورق زدن پوشه ی کار به نقاط قوت و ضعف فرزند خود پی می برند و برای رفع اشکالات یادگیری اقدام می کنند. لازم است دانش آموزان و والدین ایشان از پوشه ی کار به خوبی مراقبت کنند، در مراجعه های هر ماهه به کلاس، آن را به آموزگار نشان دهند و از راهنمایی های ایشان بهره ی لازم را ببرند.

استفاده نکردن از نمره

والدین محترم به شما توصیه می شود، برای فعالیت هایی که فرزندتان در منزل انجام می دهد، به او نمره ندهید، زیرا کودکان کلاس اولی شما هیچ درکی از ابزار نمره ندارند و معنی آن را نمی دانند. صحبت از نمره ی بیست در منزل و ممنوعیت استفاده از آن در کلاس باعث سردرگمی و آسیب رسیدن به فرزندتان می شود. معلم در کلاس به جای نمره از بازخورد شفاهی یا نوشتاری استفاده می کند. بازخورد با زبانی ساده، کودک را متوجه نقاط قوت و ضعفش می کند و راهی را که به او نشان می دهد یادگیری را بهبود می بخشد.

در منزل، به جای استفاده از نمره، در جمله های ساده و قابل درک، خوبی ها و ضعف های یادگیری دانش آموز را بگویید یا بنویسید و تکلیفی را که به او کمک می کند بیان کنید. لازم به ذکر است، نوشتن بازخورد کاری ظریف و تخصصی است. لذا بهتر است با معلم فرزندتان در این باره مشورت کنید.

مقایسه نکردن دانش آموزان با هم

شاخص ترین ویژگی ارزشیابی کیفی توصیفی حذف رقابت های سخت گیرانه و مقایسه نکردن دانش آموزان است. خداوند انسان ها

را متفاوت آفریده و هر فردی در نوع خود بی همتاست. به این معنی که هر انسانی استعدادها و توانایی های خاص خود را دارد. دانش آموزی با یک بار گفتن معلم می آموزد و دانش آموزی دیگر به گفتن و تکرار چندین باره نیاز دارد. بنابراین، در این روش، هرگز دو فرد همکلاسی با هم مقایسه نمی شوند، بلکه میزان تلاش و پیشرفت امروز هر دانش آموز با دیروزش مقایسه می شود. رعایت این اصل بر بهداشت روانی دانش آموزان کلاس می افزاید و دوستی و مهربانی را جایگزین رقابت، حسادت و دشمنی می کند. توصیه می شود، در منزل هم هرگز فرزند خود را با دیگران مقایسه نکنید. حتی مقایسه ی افراد دوقلو که شرایطی کاملاً مشابه دارند، کار درستی نیست و به آنان آسیب می زند.

کاربرد مقیاس های خیلی خوب و...

در این نوع از ارزشیابی، معلم از چهار کلمه ی خیلی خوب (خ)، خوب (خ)، قابل قبول (ق) و نیاز به آموزش و تلاش بیشتر (ن) استفاده می کند که گاهی والدین نیز به اشتباه آن ها را زیر برگه های دانش آموزان می نویسند.

نکته: این چهار اصطلاح که به آن ها مقیاس های رتبه ای می گویند، برای دانش آموزان کلاس اولی قابل درک نیست و تنها معلم در نوشتن کارنامه، که مخاطب آن اولیا هستند، از آن ها استفاده می کند.

سخن آخر: والدین محترم، طرح تحول بنیادین نظام آموزشی کشور فرایندی در حال گذار است و به طور حتم با نارسایی ها و اشکالاتی همراه است. اما با نیازهای جامعه ی امروز بچه ها، گریزی از اجرای آن نیست. تنها نگاه مثبت و همدلی و همسویی والدین محترم با اولیای مدرسه است که این مشکلات را به حداقل می رساند و زمینه را برای تحقق بهتر اهداف نظام آموزشی فراهم می آورد. منتظر حضور گرم شما در مدارس هستیم.



بازخورد پایانی

نمایش مهارت‌های معلمی معلم!

بهمن قره‌داغی

پژوهشگر، مدرس و مؤلف برنامه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی



بازخورد چیست؟

«بازخورد» حلقه‌ی پیوند محکم و ماندگار بین ارزشیابی و یادگیری است. هر کدام از متخصصان آگاه به موضوع، با در نظر داشتن زاویه‌ی نگاه خاص تعریفی خاص نیز از آن دارد. نان استال و گیس براساس نتایج پژوهش‌های خود، بازخورد توصیفی را چنین تقسیم‌بندی کرده‌اند: الف) مرتبط با پیشرفت؛ ب) مرتبط با اصلاح و بهبود.

از این نگاه، بازخوردهای مرتبط با اصلاح و راهبردها و روش‌هایی که باعث رفع نواقص و بهبود عملکرد می‌شوند، گروه هدف به حساب می‌آیند.

در اینجا و در تعریف کلی و ساده، بازخورد عبارت است از «بازگشت دادن» نتیجه‌ی عملکردهای دانش‌آموز به دانش‌آموز توسط محیط (معلم - فراگیرندگان و خود فراگیرنده) و یا ساده‌تر، یعنی همان فرایندی که یادگیرنده را از چگونگی یادگیری خود آگاه می‌سازد و او را در اصلاح و بهبود رفتارش یاری می‌رساند.

انواع بازخورد

الف) بازخورد فرایندی (کلاسی):

بازخورد فرایندی همان بازخوردهای توصیفی شناختی و فراشناختی هستند که معلم به‌منظور بهبود روش‌ها و نحوه‌ی یاددهی و آگاه شدن دانش‌آموز از قوت‌ها

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تربیتی نوعی ارزشیابی فرایندمحور است. هدف این است که دانش‌آموز با یادگیرنده آموزه‌هایی را یاد بگیرد و به مراتبی از شایستگی‌ها برسد که در زندگی‌اش مؤثر باشد. در ارزشیابی کیفی، به‌طور نظام‌داری شواهد دست‌یابی یادگیرنده به نتایج یادگیری جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. این عمل به‌منظور قضاوت و ارائه‌ی بازخورد برای اصلاح و هدایت عملکرد در طول سال یا دوره‌ی تحصیلی^۱ انجام می‌شود.

پس لازم است به نقش «بازخورد پایانی» با دقت و وسواس بیشتری بپردازیم، به‌ویژه اینکه نباید از خاطر دور داشت که در هر نظام آموزشی، «بازخورد» فرصتی ایجاد می‌کند تا آن نظام، با تکیه بر داده‌های بازخورد، بتواند نسبت به اصلاح، تقویت و توسعه‌ی خود اقدام بایسته را به انجام برساند یا بتواند از چگونگی عملکرد خود آگاه شود یا به کمک آن، اجزا و عناصر خود را بازبینی، بازمهندسی و بازآفرینی کند.

با عنایت به اینکه ارزشیابی کیفی - توصیفی یکی از اشکال ارزشیابی فرایندمحور است، در این شکل، بازخورد به‌عنوان یک مفهوم زیر بنایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اگر یکی از هدف‌های فرایند نظام آموزشی را ایجاد تغییر در ساخت شناختی و فرایندهای ذهنی یادگیرندگان بدانیم، بدان گونه که دانش‌آموز بتواند آنچه را در یک موقعیت فراگرفته، در موقعیت متفاوت دیگری نیز به کار گیرد، یا به‌طور کلی بتواند آموخته‌های خود را در زندگی و در عمل نشان دهد، این خواسته ممکن نمی‌شود، مگر اینکه او در فرایند آموزش و در موقعیت‌های متناسب قرار گیرد و به‌صورت پیوسته و هدفمند، بازخوردهای دقیق، جامع و کاملی دریافت کند تا بتواند به‌خوبی از روند تلاش، پیشرفت و موفقیت‌های خود آگاه شود و در مهندسی جریان یادگیری، جایگاه خود را به‌خوبی درک کند و فعالیت‌های خود را براساس نقش مؤثری که در سرنوشت خود ایفا می‌کند، مدیریت کند.

بنابر این، از «بازخورد» می‌توان به‌عنوان مغناطیس توجه و ارتباط معلم با دانش‌آموز و دیگر ذی‌نفعان نام برد، چراکه اگر این خاصیت ویژه را، به هر دلیلی، از شغل و رسالت معلمی جدا کنیم، به‌معنای آن خواهد بود که توان جذب و نگهداشت مؤثر یادگیرنده و خاصیت توان تغییر رفتار او را از معلم گرفته‌ایم؛ درست مثل یک قطعه آهن‌ربا که قادر است فلزی دوازده برابر وزن خود را جذب و از زمین بلند کند، خاصیت مغناطیسی‌اش را از دست بدهد و در این صورت آهن‌ربا قادر به بلند کردن حتی پرکاهی هم نخواهد بود.



به عبارت دیگر، معلم در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به عنوان کسی که وظیفه‌ی اصلی او آموزش است، وظیفه‌ی پاسخ‌گویی را نیز دارد؛ به این معنا که معلم باید نسبت به آنچه به عنوان مسئولیت و وظیفه‌ی شغلی پذیرفته است، متعهد باشد و به گاه لازم و بایسته در جهت دفاع از تلاش‌ها و مسئولیت‌هایی که به انجام رسانیده است، شواهد و دلایل مستند و مستدل ارائه کند. لذا وقتی با این پرسش روبه‌رو می‌شویم که چه کسانی و چرا مخاطب این بازخورد هستند، مخاطبانی چون دانش‌آموز، والدین، مدیر و معلم سال بعد در ذهن مجسم می‌شوند که در ادامه به شکل کوتاه به نقش، وجود و اهمیت آن‌ها به عنوان مخاطبان بازخورد پایانی اشاره می‌شود.

الف) دانش‌آموز

واضح است که بازخورد پایانی سبب می‌شود دانش‌آموز به عنوان مخاطب اصلی بازخورد پایانی، نسبت به موقعیت یادگیری خود آگاه شود. براین اساس، لازم است و حتی اهمیت دارد که او از عملکرد خود، در بازه‌های زمانی خاصی که یا معلم تشخیص می‌دهد یا قانون معین می‌کند نیز مطلع شود. بنابراین، در نگارش توصیف عملکرد دانش‌آموز، در هر ماده‌ی درسی، سطح فهم مخاطب باید در نظر گرفته شود.

ب) والدین

همواره آنچه مدنظر بوده و هست، این است که نقش والدین در ارزشیابی کیفی - توصیفی همیاری و همراهی معلم است، تداوم این همیاری نیازمند آگاهی والدین از وضعیت عملکرد دانش‌آموز است که معلم با کمک بازخورد توصیفی به دو شکل فرایندی و پایانی، آگاهی لازم را به آن‌ها ارائه می‌کند. بدین معنا که معلم، به شکل فرایندی، به والدین، متناسب با شرایط و موقعیت‌های شغلی و دانشی آن‌ها، بازخورد قابل فهم ارائه می‌کند.

و ضعف‌های یادگیری مطالب و مباحث دروس به دانش‌آموز می‌دهد. دانش‌آموز با استفاده از این بازخوردهای پیوسته، هدفمند، متنوع، توصیفی، ساده و قابل فهم پی می‌برد در چه وضعیتی قرار دارد و چه فعالیت‌هایی باید انجام دهد.

ب) بازخورد پایانی

منظور از «بازخورد پایانی» نیز انعکاس، ارائه یا عرضه‌ی رتبه و توصیفی است که سطحی از دستیابی به اهداف را نشان می‌دهد، یا نظر و واکنش معلم نسبت به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز است که در قالب گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی (کارنامه) ارائه می‌شود.

در دوره‌ی ابتدایی (پایه‌های اول تا ششم)، معلم وظیفه دارد طبق ماده‌ی ۳ آیین‌نامه‌ی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی - تربیتی دوره‌ی ابتدایی، با عنایت به وظیفه‌ی پاسخ‌گویی، در دو یا سه نوبت از سال تحصیلی (نوبت اول مهرماه تا پایان دی و نوبت دوم مهرماه تا خرداد ماه و نوبت شهریور هم لغایت ۱۵ شهریور)، با استفاده از شواهد سودمند، معتبر و منصفانه‌ی جمع‌آوری شده در پوشه‌ی کار و سایر اطلاعات و مستندات، برای ارائه به ذی‌نفعان (والدین، دانش‌آموز و مدیریت مدرسه) بازخورد پایانی ارائه کند.

مخاطب بازخورد پایانی کیست؟

در ارزشیابی کیفی - توصیفی آگاهانه تلاش می‌شود در فرایند ارزشیابی، زمینه‌ی مشارکت فعال دانش‌آموز و والدین نیز فراهم شود. بی‌تردید، این مشارکت ابزارها و سازوکارهای مشخص و معینی نیاز دارد و یکی از آن‌ها بازخورد پایانی است که در قالب گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی (کارنامه) ارائه می‌شود. تهیه و تکمیل ابزار بازخورد پایانی، به عنوان یکی از وظایف معلم، به واقع بازتاباننده‌ی تلاش آگاهانه‌ای است که در سایه‌ی جمع‌آوری اطلاعات و شواهدی که با ابزارهای متنوع «پایا» و «روا» صورت می‌گیرند، اتفاق می‌افتد.

این بازخوردها توصیفی خواهند بود و ضمن تحلیل پیشرفت‌ها و ضعف‌های هر دانش‌آموز، سبب خواهند شد والدین و دانش‌آموز بفهمند برای پیشرفت بهتر و بیشتر، گام‌های بعدی آموزش و یادگیری کدام‌ها هستند. لذا معلم، چنانکه اشاره شد، طبق ماده‌ی سه‌ی آیین‌نامه‌ی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، وظیفه دارد در دو یا سه نوبت از سال بازخورد پایانی (در قالب نمونه برگ «الف» سیستم کار توصیفی) به والدین ارائه کند. در این شرایط، معلم با ترکیب و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده، در فرایند ارزشیابی که به‌تدریج در پوشه‌ی کار گردآوری کرده است، گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی خود را، علاوه بر مقیاس رتبه‌ای، به‌شکل توصیف عملکرد می‌آورد. ضمن اینکه علاوه بر تبیین و توصیف وضعیت عملکرد دانش‌آموز، در بخش درسی، به ابعاد غیرشناختی دانش‌آموز در قالب شایستگی‌های عمومی نیز باید اشاره کند.

ج) سایرین

مخاطب بازخورد پایانی، علاوه بر دانش‌آموز و والدین، کسان دیگری نیز خواهند بود. از جمله‌ی آن‌ها مدیر واحد آموزشی است که برای ثبت و ضبط سوابق پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز و پاسخ‌گویی به افراد بالادستی، به این بازخورد پایانی نیاز دارد. در برنامه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی، مدیر را حامی و هدایت‌کننده‌ی می‌شناسیم که با نظارت توانمندساز، به تسهیل یادگیری کمک درخوری می‌کند. از دیگر اعضای گروه، اعضای شورای مدرسه برای تصمیم‌گیری، معلم سال بعد دانش‌آموز برای درک درست وضعیت یادگیری دانش‌آموز در پایه‌ی تحصیلی قبلی و اجرای آموزش‌های ترمیمی و تکلیف‌های تمرینی، و پژوهشگرانی که با مجوز وارد مدارس می‌شوند، می‌توان نام برد. بنابراین، در توصیف عملکرد، آنچه معلم باید مدنظر داشته باشد، تعیین و تبیین سطحی از شایستگی دانش‌آموز در هر ماده‌ی درسی است که انتظار است معماری واژگان و جملات او بازتاب آن سطح باشد.

ویژگی‌های توصیف عملکرد در بازخورد پایانی (فرم الف)

بازخورد پایانی زمانی می‌تواند کارآمد و مؤثر باشد که اطلاعاتی به‌شکل توصیفی در اختیار دانش‌آموز قرار دهد. خود توصیف کردن فعالیت‌های بسیار ظریف و حساس است. دانش‌آموز با دریافت توصیف‌های معلم، از جایگاه عملکرد خود در رسیدن به هدف‌های کلی آموزشی هر کدام از مواد درسی و همچنین

ماهیت و کمیت فاصله‌ی بین عملکرد جاری با وضعیت مطلوب (معیار) خود آگاه می‌شود. چنانچه توصیف معلم طوری باشد که دانش‌آموز نتواند از آن برای تشخیص فاصله‌ها و کاهش آن‌ها استفاده کند و یا فرصت‌هایی را برای جبران ضعف‌ها و دستیابی به خود نظم‌دهی و هدایت‌گری فراهم نکند، توصیف معنای خود را از دست خواهد داد. برای اینکه بازخورد توصیفی معلم قابل استفاده باشد، باید ویژگی‌هایی داشته باشد. لذا در هر توصیف عملکردی (فرم الف) انتظار است معلم ویژگی‌های زیر را مدنظر قرار دهد:

۱) باید زنده و آموزنده باشد: یعنی روح و جان و احساس داشته باشد. همچنین بتواند در خواننده نفوذ کند و با او ارتباط معنی‌دار برقرار کند. لذا باید دانست که معماری جملات و انتخاب و چینش کلمات هر توصیف عملکردی، اگر تکلیفی و ماشینی باشد، فاقد روح و جان و احساس خواهد بود. در نتیجه، نمی‌تواند و نخواهد توانست با مخاطب خود ارتباط معنادار برقرار کند. در نتیجه، کلامی بی‌تأثیر خواهد بود که جز هزینه‌ی زمانی و روانی، چیز دیگری در پی نخواهد داشت.

۲) در توصیف عملکرد دانش‌آموز، معلم باید آگاهانه مهم‌ترین نکات هر ماده‌ی درسی را (معطوف به هدف‌های یادگیری)، به استناد مستندات فرایندی، به‌صورت جمع‌آوری و سازمان‌دهی شده ارائه کند.

۳) مثبت باشد: یعنی معلم در توصیف عملکرد دانش‌آموز از عبارتهای مثبت و سازنده که به دانش‌آموز اعتمادبه‌نفس می‌بخشد و خواندن آن باعث ایجاد انگیزه‌ی درونی در دانش‌آموز می‌شود استفاده کند.

۴) هر توصیف عملکرد دانش‌آموز باید توصیفی باشد، یعنی به‌طور کلی قابلیت‌ها، توانایی‌ها و قوت‌های دانش‌آموز را آیین‌وار بنمایاند.

۵) توصیفی باشد: یعنی ضعف‌های یادگیری دانش‌آموز را با احتیاط لازم و به‌گونه‌ای که در او ایجاد ناامیدی و یاس نکند، آورده باشد.

۶) از بیان عبارتهای معطوف به شخصیت (برای مثال صفاتی همچون زودرنج، مضطرب، پرحرف، درون‌گرا و برون‌گرا) پرهیز کند.

۷) توصیه‌هایی داشته باشد: یعنی برای توسعه، بهبود یا

بازخورد عبارت است از «بازگشت دادن» نتیجه‌ی عملکردهای دانش‌آموز به دانش‌آموز توسط محیط (معلم - فراگیرندگان و خود فراگیرنده) و یا ساده‌تر، یعنی همان فرایندی که یادگیرنده را از چگونگی یادگیری خود آگاه می‌سازد و او را در اصلاح و بهبود رفتارش یاری می‌رساند

اصلاح یا تقویت یادگیری دانش‌آموز توصیه‌های لازم و رهنمودهای کاربردی ارائه دهد.

از آنجا که هدف رشد یا تحول این است که فرد از کنترل بیرونی خارج شود و از دیگر سامان‌دهی به خود سامان‌دهی تغییر کند؛ لذا در توصیه‌ها، **موضوع مهم خودنظم‌دهی برای پرورش خودکارآمدی** باید مدنظر معلم باشد. منظور از خودنظم‌دهی یعنی توانایی اندیشیدن و حل کردن مسائل بدون کمک دیگران. به‌طور کلی، خودنظم‌دهی به کنترل فرد بر فرایندهای شناختی‌اش (تفکر و حافظه و ...) اشاره دارد.

معلم باید در توصیه‌ها سطح **توانایی و تحول** هر دانش‌آموز را در نظر داشته باشد. یعنی آنچه می‌نویسد باید قابل درک و دریافت باشد.

توصیه‌ها باید **سودمند** باشند و دانش‌آموزان را به این آگاه سازند که چه فعالیتی را انجام دهند تا انتظارات آموزشی به‌خوبی تحقق یابند.

◊ **جمله‌بندی** هر توصیف عملکرد دانش‌آموز باید **ساده، روان و قابل درک** (متناسب با خصوصیات روان‌شناختی و سن دانش‌آموز) باشد؛ یعنی در توصیف عملکرد دانش‌آموز از مفاهیم و واژه‌هایی استفاده شوند که دانش‌آموز آن‌ها را می‌فهمد. یعنی چنانکه اشاره شد، مقدار و محتوای بازخورد باید با سطح تحول و توانایی دانش‌آموز مناسب و متناسب باشد.

◊ گرچه بازخورد پایانی نیز باشد معلم باید **کمترین عبارتهای ارزشیابی** (خوب، خیلی خوب، در حد انتظار، بسیار عالی و ضعیف) را به کار ببرد.

◊ ضمن رعایت «**اقتصاد کلام**» باید اصول نگارشی و املا صحیح کلمات نیز رعایت شود.

◊ چنانچه معلم توصیف خود را به شکل دست‌نویس می‌نویسد، باید بسیار **خوش خط و خوانا** نوشته شود.

پیش‌نیازهای اصلی بازخورد پایانی

توصیف عملکرد در بازخورد پایانی کار ساده‌ای نیست، به این معنی که علاوه بر تخصص و مهارت معلمی، به برخورداری از سطحی از توان نگارشی نیز نیاز دارد. در زیر پیش‌نیازهای اصلی بازخورد پایانی ارائه شده‌اند؛ انتظار است هر معلمی پیش از نگارش توصیف عملکرد دانش‌آموز از خود بپرسد:

◊ آیا به اهداف و نشانه‌های یادگیری ماده‌های درس اشراف کامل دارم؟^۳

◊ آیا مراحل رسیدن به هر هدف را به‌خوبی می‌شناسم؟

◊ آیا ویژگی‌های فردی هر دانش‌آموز را می‌شناسم؟

◊ آیا پوشه‌ی کار و سایر مستندات هر دانش‌آموز را که در فرایند آموزش و به‌منظور نشان دادن روند پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز، به‌صورت هدفمند جمع‌آوری، انتخاب و سازمان‌دهی شده است، تجزیه و تحلیل کرده‌ام و تفسیر درستی از پیشرفت تحصیلی هر کدام از دانش‌آموزانم دارم؟

◊ آیا می‌توانم به‌گونه‌ای توصیف عملکرد دانش‌آموز را بنویسم که سلامت روانی او به مخاطره نیفتد؟

◊ آیا می‌توانم به‌گونه‌ای توصیف عملکرد دانش‌آموز را بنویسم که خودکارآمدی و کنترل بر یادگیری را در او تقویت کنم؟
◊ آیا به اصول نگارشی و املا صحیح کلمات آشنایی کامل دارم؟ (لذا قبل از ارائه به ذینفعان، توصیف‌های هر ماده‌ی درسی را ویرایش می‌کنم.)

◊ آیا می‌دانم که مخاطب اصلی توصیف عملکرد هر دانش‌آموز، علاوه بر دانش‌آموز، والدین هستند؟ لذا با این پیش‌فرض که والدین نقش همراه دانش‌آموز را در فرایند یاددهی - یادگیری بر عهده دارند؛ پس باید ضمن تحلیل پیشرفت‌ها و ضعف‌های دانش‌آموز، زمینه‌ی پیشرفت او را در رهنمودها و توصیه‌هایم فراهم کنم.

* آیا از مصادیق مقیاس‌های رتبه‌ای (سطح دستیابی به اهداف) خیلی خوب، خوب، قابل قبول، نیاز به تلاش و آموزش بیشتر و نیاز به تلاش و آموزش مجدد (به شرح زیر) آگاهی کامل دارم؟

* خیلی خوب:

در صورتی که عملکردهای دانش‌آموزی در هر درس، براساس اهداف و انتظارات آن درس و اطلاعات حاصل از منابع و ابزارهایی که در سنجش و ارزشیابی او در آن درس مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده‌ی دستیابی به هدف ماده‌ی درسی با حداقل نقص و تسلط کامل وی بر فرایند و نتیجه‌ی یادگیری خود و توانایی به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های جدید و غیر تکراری باشد، رتبه (سطح دستیابی) خیلی خوب تعلق می‌گیرد.



نام کتاب: صفر تا بیست ارزشیابی برای یادگیری

نویسنده: بهمن قره‌داغی

ناشر: زنده اندیشان

سال چاپ: اول، ۹۴

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

* خوب:

در صورتی که عملکردهای دانش آموز در هر درس، براساس اهداف و انتظارات آن درس و اطلاعات حاصل از منابع و ابزارهایی که در سنجش و ارزشیابی او در آن درس، مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده‌ی دستیابی به هدف ماده‌ی درسی، با نقایص اندک و آگاهی وی بر فرایند و نتیجه‌ی یادگیری خود و توانایی به کارگیری آموخته‌های خود در موقعیت جدید باشد، رتبه (سطح دستیابی) خوب تعلق می‌گیرد.

* قابل قبول

در صورتی که عملکردهای دانش آموزی در هر درس، براساس اهداف و انتظارات آن درس و اطلاعات حاصل از منابع و ابزارهایی که در سنجش و ارزشیابی او در آن درس مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده‌ی دستیابی به هدف ماده‌ی درسی با نقایصی کمتر از آنچه مانع یادگیری‌های موفقیت‌آمیز بعدی و به کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های مشابه باشد، رتبه (سطح دستیابی) قابل قبول تعلق می‌گیرد.

* نیازمند به آموزش و تلاش بیشتر:

در صورتی که عملکردهای دانش آموزی در هر درس، براساس اهداف و انتظارات آن درس و اطلاعات حاصل از منابع و ابزارهایی که در سنجش و ارزشیابی او در آن درس مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده‌ی دستیابی به هدف ماده‌ی درسی با نقایصی باشد که مانع یادگیری‌های موفقیت‌آمیز بعدی وی شود، رتبه (سطح دستیابی) نیازمند به آموزش و تلاش بیشتر تعلق می‌گیرد.

* نیازمند به آموزش و تلاش مجدد در شهر یورماه:

در صورتی که عملکردهای دانش آموزی در هر درس، براساس اهداف و انتظارات آن درس و اطلاعات حاصل از منابع ابزارهایی که در سنجش و ارزشیابی او در آن درس مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده‌ی دستیابی به هدف ماده‌ی درسی با نقایصی باشد که مانع یادگیری‌های موفقیت‌آمیز بعدی وی شود، رتبه (سطح دستیابی) نیازمند به آموزش و تلاش مجدد تعلق می‌گیرد.

۱. لطفاً با یک مثال نحوه‌ی تکمیل فهرست محتوا را بیان کنید؟
۲. آیا نمونه برگ شرح حال باید در پوشه‌ی کار دانش آموز قرار گیرد؟ در غیر این صورت چه باید کرد؟
- برگ شرح حال تا حدودی خصوصی وارد حریم خصوصی افراد می‌شود و چون غیر از معلم، افراد دیگری همچون گروه هم‌سالان با پوشه‌ی کار در ارتباط هستند، لذا توصیه می‌شود برگ‌های شرح حال به صورت مجزا، به طوری که فقط خود معلم به آن‌ها دسترسی داشته باشد، نگهداری شوند و در پوشه‌ی کار قرار نگیرند. ولی در پایان سال، همراه با پوشه‌ی کار تحویل دانش‌آموزان یا ولی آن‌ها شوند.
۳. آیا معلمان باید پایین برگه‌های امتحانی یا تکالیف و ... دانش‌آموزان بازخورد کتبی بنویسند؟ توضیح دهید.
- معلم هم می‌تواند از بازخورد کتبی و هم از بازخورد شفاهی استفاده کند. ولی لازم به ذکر است، کلیه‌ی شواهدی که در پوشه‌ی کار قرار می‌گیرند، باید بازخورد کتبی داشته باشند.

ردیف	نوع ابزار	تاریخ	ملاک‌های انتخاب	ارزیابی معلم
				۱= بسیار کم ۵= بسیار زیاد
				۱ ۲ ۳ ۴ ۵
	آزمون کتبی عملکردی	۷/۷	مفهوم ضرب	✓
	آزمون عملکردی	۷/۲۵	تعیین موقعیت جغرافیایی	✓
	آزمون مداد و کاغذی	۸/۵	عدد نویسی	✓
	فعالیت هنری، (تکلیف)	۹/۱۰	دقت و تمرکز	✓
	تکلیف	۹/۲۵	استفاده از راهبرد حل مسئله (الگوسازی)	✓



نام کتاب: راهنمای آشنایی مادران و پدران با برنامه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی
نویسنده: بهمن قره‌داغی
ناشر: زنده‌اندیشان
سال چاپ: اول، ۹۵
قیمت: ۸۰۰۰ تومان



نام کتاب: تقویت مهارت املانویسی با بازخورد توصیفی
نویسنده: بهمن قره‌داغی
ناشر: زنده‌اندیشان
سال چاپ: اول، تابستان ۹۴
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

معرفی اجمالی کتاب‌های دکتر بهمن قره‌داغی

۱. راهنمای آشنایی مادران و پدران با برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی

به همه‌ی مادران و پدرانی که فرزندشان در دوره‌ی ابتدایی به تحصیل مشغول است و فردای فرزانشان را دوست می‌دارند، خواندن این کتاب راه، که در آن تلاش شده با زبانی تا آنجا که امکان داشته، ساده و قابل فهم، کلیاتی از چیستی، چرایی و چگونگی برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی همراه با قوانین و آیین‌نامه‌های مصوب موجود، بیان شود، توصیه می‌نمایم.

۲. تقویت مهارت املانویسی با بازخورد توصیفی

این کتاب در پشت جلد، خودش را این‌طور معرفی کرده: ... با این دشواری‌های فرا رو در املانویسی، که هر حکایتی از آن، درست می‌نمایند و نمی‌توان بی‌تفکر و تأمل، از آن عبور کرد؛ گاهی از خود می‌پرسیم: «من که طواغیثم خاندن و نوشطن را بی‌حیج ذهمطی برای دیگران، خیلی صاف یاد بگیرم! اما واغثن بچه‌های ما، در دیکته نویسی مشکل دارند! باید به صهم خود، حر یک کاری بکنیم. راسطی، چکار کنیم؟»

۳. صفر تا بیست ارزشیابی برای یادگیری

این کتاب، کامل‌ترین و جامع‌ترین منبع آموزشی در زمینه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی است که با زبانی ساده و قابل کاربست کلاسی و با مثال‌های فراوان نوشته شده است. نویسنده این کتاب را با نگاه خودآموزی و خودیاریگری، برای دانش‌افزایی، مایه‌وری و مهارت‌بخشی به معلمان دوره‌ی ابتدایی که مجری برنامه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی می‌باشند و امکان حضور در کلاس‌ها و کارگاه‌های تخصصی را ندارند، تألیف نموده است. مطالعه‌ی این کتاب، برای تمامی معلمان به‌ویژه معلمان دوره‌ی ابتدایی، اساتید، دانشجویان و پژوهشگران حوزه‌ی سنجش و یادگیری مفید می‌باشد.

۴. آیا مدارس مجاز به دادن برنامه‌ی امتحانی هماهنگ مدرسه‌ای در پایه‌های مختلف هستند؟

مجاز نیستند، ولی در پایه‌ی ششم نوبت دوم، برنامه‌ی هماهنگ از سوی مناطق داده می‌شود که نتایج این آزمون‌ها سرنوشت‌ساز نیست و این نکته باید مدنظر همکاران قرار گیرد.

۵. آزمون عملکردی چیست؟ از چه بخش‌هایی تشکیل شده است؟

بخش زیادی از اهداف و انتظارات آموزشی در حیطه‌ی مهارت‌ها قرار دارد و دانش‌آموزان باید بتوانند کاری انجام دهند یا دانشی را که کسب کرده‌اند در شرایط واقعی یا نسبتاً واقعی به کار گیرند. به سخن دیگر، آزمون عملکردی تلاش می‌کند از طریق ارزشیابی «توانستن»‌های دانش‌آموزان، به میزان کسب دانش و معرفت آن‌ها پی ببرد.

انواع آزمون عملکردی:

۱. آزمون عملکردی کتبی
۲. آزمون شناسایی
۳. آزمون عملکردی در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده
۴. آزمون نمونه کار

مراحل نوشتن آزمون عملکردی:

۱. نوشتن هدف
۲. نوشتن ملاک‌ها و شواهد
۳. تعیین تکلیف
۴. نوشتن بافت مسئله
۵. ثبت وسایل لازم
۶. دستور اجرای تکلیف
۷. جدول راهنمای توصیف عملکرد
۸. خودسنجی

پی‌نوشت‌ها

۱. پیش‌نویس چارچوب آیین‌نامه‌ی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تربیتی شایستگی محور.
۲. شخصیت (personality): «مجموعه‌ای از رفتار و شیوه‌های تفکر شخص در زندگی روزمره می‌باشد که با ویژگی‌های بی‌همتا بودن، ثبات (پایداری) و قابلیت پیش‌بینی» مشخص می‌شود (اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۹۲).
۳. برای اطلاع از اهداف و نشانه‌های یادگیری هر درس (شش‌پایه‌ی ابتدایی) به بخش ۹ کتاب: «صفر تا بیست ارزشیابی برای یادگیری» تألیف نگارنده، صفحات ۴۴۸ الی ۵۲۶ مراجعه شود.

پرسش و پاسخ‌های متداول در ارزشیابی توصیفی

پرسش‌های آقای دکتر حامد صبوری (استاد دانشگاه) و لیلا شایانی (معلم ابتدایی) در خصوص ارزشیابی توصیفی و پاسخ‌های آقای دکتر قره‌داغی (پژوهشگر، مدرس و مولف برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی)

تغییر نگرش نیاز به برنامه دارد. به نظر من، با برگزاری گردهمایی‌های منظم و با استفاده از مدرسان آگاه و عالم می‌توان خانواده‌ها را از چپستی این طرح آگاه ساخت.

۱ چگونه والدین را از اهداف ارزشیابی توصیفی و شیوهی اجرای آن آگاه کنیم؟

* با توصیف عملکرد باید دانست که استفاده از مقیاس‌های فاصله‌ای (۲۰ تا ۲۰۰) و مقیاس‌های رتبه‌ای (خیلی خوب و خوب) متناسب نیست، چون این نوع بازخوردها: * زبانی قابل فهم برای برقراری ارتباط ندارند؛ * تفسیر درستی از موفقیت‌ها و خطاهای دانش‌آموزان ارائه نمی‌کنند؛ * توصیه‌هایی برای توسعه و بهبود یادگیری ارائه نمی‌دهند؛ * دانش‌آموز را از روند و چگونگی تلاش، پیشرفت و موفقیت‌های خود آگاه نمی‌گردانند؛ * به دانش‌آموزان کمک نمی‌کنند به‌طور عمیق با محتوای مباحث درسی درگیر شوند؛ * در نتیجه، بنیان یادگیری دانش‌آموزان سست خواهد شد.

۲ چگونه عملکرد دانش‌آموز را به شیوهی صحیح به اطلاع والدین برسانیم؟

کار معلم بررسی پوشه‌ی کار به شکل هر روزه یا هفتگی یا ... نیست، کار معلم مدیریت پوشه‌ی کار است. دشوارترین کار معلم تعیین شواهد پیشرفت تحصیلی تربیتی است؛ اینکه چه نمونه‌ای، چه زمانی، با چه ابزاری و چرا در پوشه قرار بگیرد.

۳ چگونه تمام پوشه کارهای دانش‌آموزان یک کلاس ۳۰ تا ۴۰ نفره را بررسی کنیم که با کمبود وقت مواجه نشویم؟

شواهد باید آگاهانه و هدفمند جمع‌آوری و انتخاب شوند. اگر چنین شد، از آنجا که شواهد موجود باید روند پیشرفت تحصیلی تربیتی را نشان دهند، پس هر نمونه‌ای که در پوشه قرار می‌گیرد، باید تاریخ و بازخورد کامل توصیفی داشته باشد.

۴ آیا تمام شواهد یادگیری (آزمون‌ها، تکالیف و فعالیت‌ها) در پوشه‌ی کار دانش‌آموز باید بازخورد کتبی داشته باشد؟

۵ آیا پوششی کار برای تمام درس‌ها است؟ در این صورت چگونه معلم برای همه‌ی دانش‌آموزان کلاسی با تراکم بالا فهرست محتوا را کامل کند؟



۶ چه برگه‌ها و کارهایی در پوششی کار قرار می‌گیرند؟

۷ آیا معلم هم به پوششی کار نیاز دارد؟

۸ آیا تمام پوشه کارها باید در کلاس نگهداری شوند؟ نحوه‌ی نگهداری پوشه کارها در کلاس‌هایی بدون فضای لازم چگونه خواهد بود؟

۹ آیا همه‌ی پوشه کارها باید یکدست و به‌صورت کلربوک باشند؟

در ارزشیابی توصیفی، امتحانات (آزمون‌های) سرنوشت‌ساز تراکمی (پایانی) وجود ندارند و به جای آن به عملکرد فرایندی توجه می‌شود. پایانه و آلبوم این عملکردهای فرایندی نیز پوششی کار است. اما اینکه فهرست محتوا لازم است، باید دانست آن چیست و چرا باید باشد. در این خصوص، مختصری عرض می‌شود. فهرست محتوا یکی از مهم‌ترین جزء از اجزا و عناصر پوششی کار است. چرا؟

چون:

زبان گویای شواهد جمع‌آوری شده‌ی دانش‌آموز و سایر مستندات است که معلم مناسب تشخیص داده است.

بازتاباننده‌ی منظورهای معلم از انتخاب نمونه کارها و شواهد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز است.

ابزاری است برای خودکنترلی. بدان معنا که معلم هر وقت بخواهد اثری از پیشرفت تحصیلی تربیتی دانش‌آموز را در پوشه قرار دهد، ملزم به ثبت آن خواهد بود و همین کار سبب خواهد شد معلم از خود بپرسد آیا این نمونه کار هدفمند انتخاب شده است؟ و می‌تواند بیانگر میزان تلاش، پیشرفت و موفقیت دانش‌آموز باشد؟ براین اساس، اگر شواهد آگاهانه و هدفمند انتخاب و سازمان‌دهی شوند، تعداد شواهد تعریف شده‌اند و معلم مشکلی برای مدیریت زمان نخواهد داشت.

شواهد مورد انتظار برای هر نمونه کار باید این ویژگی‌ها را داشته باشند:
 • بیانگر کاربرد آموخته‌ها در زندگی دانش‌آموز باشند. (آزمون‌های عملکردی، سنجش مشاهده‌ای و ...)
 • تغییر رفتار دانش‌آموز را نشان دهند.
 • فرایند یا فرآورده‌ی یادگیری دانش‌آموز را در برگیرند.
 • میزان پیشرفت دانش‌آموز را در دست یافتن به استانداردها و واحدهای یادگیری نشان دهند.
 • نارسایی‌های یادگیری دانش‌آموز و نحوه‌ی رفع مشکلات و اصلاحات را بیان کنند.
 • نو، جدید و ابتکاری باشند.

خیر. پوششی کار معلم همان پوششی کار دانش‌آموز است که هنر و مهارت معلم را در نمایاندن تغییرات یادگیری نشان داده است.

بله. اقتضات را معلم و مدیر تعیین می‌کنند، ولی تجربه‌ی زیسته‌ی من این را به من می‌فهماند که در هر کلاسی امکان جابجایی برای پوششی کار وجود دارد.

کلربوک همان پوششی کار است. یکدست بودن از نظر زبان، بله، اما محتوایی خیر، چون تابعی از تفاوت‌های فردی و بین‌فردی دانش‌آموزان است.

ثبت گزارش پیشرفت تحصیلی به صورت ماهانه الزامی است؟

۱۰

طبق تبصره‌ی ماده‌ی ۳ آیین‌نامه‌ی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در دوره‌ی ابتدایی، ثبت گزارش ماهانه نیست، بلکه دو بار در هر نوبت لازم است اصل ماده و تبصره را ببینید:

ماده‌ی ۳. گزارش نتایج ارزشیابی پیشرفت تحصیلی - تربیتی دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی و در هر زمان قابل ارائه می‌باشد، لیکن برای اطمینان بیشتر، به صورت رسمی و مکتوب، در نوبت‌های زیر ارائه می‌شود:

الف) نوبت اول در دی ماه (شامل نتایج ارزشیابی‌های پیشرفت تحصیلی - تربیتی مهرماه تا پایان دی‌ماه)

ب) نوبت دوم در خردادماه (شامل نتایج ارزشیابی‌های پیشرفت تحصیلی - تربیتی مهرماه تا خردادماه)

ج) ارائه‌ی گزارش پیشرفت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزانی که در درس یا درس‌هایی در خردادماه نیاز به آموزش و تلاش بیشتر دارند (لغایت ۱۵ شهریور).

تبصره. علاوه بر موارد فوق، مدیر مدرسه ملزم است در طول هر نوبت، حداقل دو بار دیگر اولیای دانش‌آموز را از روند پیشرفت تحصیلی - تربیتی فرزندش، به نحو مقتضی، مطلع کند.

به نظر برای اینکه عملکرد واحدی اتفاق افتد، این شرح لازم است: باید توجه کرد که در این تبصره، به روشنی اشاره شده است «به‌نحو مقتضی». در اینجا تشخیص و تعیین اقتضات را مدرسه (مدیر و شورای مدرسه) تعیین می‌کند. مثلاً گزارش تنظیم شده برای اولیا می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد، می‌تواند از طریق ارائه‌ی هدفمند پوشه‌ی کار به خانواده‌ها صورت گیرد، یا چیزی شبیه فرم الف نوبت اول، یعنی توصیف عملکرد تمام درس‌ها باشد. مهم این است که خانواده در فرایند آموزش و در طول سال تحصیلی در جریان پیشرفت تحصیلی تربیتی فرزندش قرار گیرد و فردا روزی فرا نرسد که والدین به مدرسه و معلم مراجعه و ادعا کنند که اگر مثلاً یادگیری بچه‌ی ما در سطح دستیابی به هدف‌ها، در مرتبه‌ی قابل قبول بوده، یا چرا در طول سال به ما خبر نداده‌اید؟ چرا؟



چگونه باید گزارش تحصیلی برای هر نوبت ثبت و نوشته شود؟

۱۱

معلوم است طبق مصوبه. یعنی به شکل توصیف عملکرد، مطابق با آنچه در فرم الف گزارش تحصیلی تربیتی آمده است.

آیا گزارش هر نیم‌سال باید تایپ شود؟

۱۲

الزامی در آن نیست، ولی به دلایلی توصیه شود.

چرا دوره‌های بازآموزی و ضمن خدمت ارزشیابی توصیفی برای همه‌ی مناطق و شهرها برگزار نمی‌شوند؟

۱۳

مانعی در این خصوص وجود ندارد. به مدیریت مناطق و اولویت‌های آن‌ها برمی‌گردد.

چه کار کنیم تا در ارزشیابی توصیفی انگیزه‌ی یادگیری و رقابت سالم در دانش‌آموزان بیشتر شود؟

۱۴

ایجاد انگیزه با بازخورد توصیفی درست اتفاق خواهد افتاد. اما رقابت خاستگاه تربیتی ندارد و غلط و مردود است. رفاقت یادگیری باید فرهنگ جایگزین باشد.

چرا برخی ادارات از مدارس آمار قبولی می‌خواهند، در صورتی که برخی دانش‌آموزان، طبق مدارک مستند و نظر معلم، نیاز به تکرار پایه دارند؟

۱۵

این پرسش ابهام دارد. خواستن آمار قبولی چه ارتباطی با تکرار پایه دارد؟ دانش‌آموز طبق قانون می‌تواند آموزش مجدد ببیند، کما اینکه آمار این بخش دغدغه‌ی جدید ماست.

۱۶ آیا در پایه‌ی ششم یا پایین‌تر، مجاز به استفاده از مقیاس‌های کمی چون نمره هستیم؟ برخی هنوز هم استفاده می‌کنند.

۱۷ نحوه‌ی طراحی سؤالات چگونه باید باشد؟

۱۸ آیا ارزشیابی توصیفی یعنی برجیده شدن بساط آزمون‌های کتبی و مداد کاغذی، یا شیوه‌ی اجرایش متفاوت است؟

۱۹ در مدارس چند پایه که معلمان با مشکلات خاصی همچون تعدد پایه‌ها در یک کلاس یا نداشتن مدیر مدرسه روبه‌رو هستند، چگونه می‌توان ارزشیابی توصیفی را محقق کرد؟

۲۰ حجم بالای کتاب‌های درسی و نگرانی از تدریس به موقع آن، و وجود برخی دانش‌آموزان دچار اختلالات یادگیری نیز مشکل دیگری است که مانع اجرای ارزشیابی توصیفی می‌شود. با این وضعیت، چگونه می‌توان ارزشیابی را به شیوه‌ی درستی اجرا کرد؟

۲۱ سرباز معلمان و نیروهای تغییر خدمتی (از سرایداری و... به معلمی) که هیچ دوره‌ای ندیدند، چگونه ارزشیابی توصیفی را اجرا کنند؟

۲۲ آیا معلمان می‌توانند زیر برگه‌های دانش‌آموزان از مقیاس‌ها استفاده کنند؟ در غیر این صورت، برگه‌های امتحان‌ها، فعالیت‌ها و... چگونه ارزیابی شوند؟

۲۳ آیا معلمان پایه‌ی ششم می‌توانند از نمره برای ارزیابی برگه‌ها استفاده کنند؟ و البته تعداد کثیری در حال انجام این کار هستند.

۲۴ آیا برای همه‌ی دروس نوشتن فهرست محتوا در داخل پوشه‌ی کار دانش‌آموز نیاز است؟

طبق قانون، استفاده از عدد به جای بازخورد ممنوع است و تن دادن به هر ممنوعی، خود جرم است. شرح آن در پرسش‌های قبلی بیان شد.

در آزمون مداد کاغذی ترتیب پرسش‌ها خود متد دارد. در آزمون عملکردی نیز که عموماً از ساده به دشوار اتفاق می‌افتد.

آزمون ابزار سنجش یادگیری است، مگر می‌توان آن را برجید؟! آزمون هماهنگ و مؤسسه ساخته و بازاری و کاسبکارانه ممنوع است. معلم باید به طریقی بفهمد یادگیری اتفاق افتاده است یا خیر!

ارزشیابی کیفی توصیفی یعنی بازخورد مؤثر و بازخورد مؤثر یعنی یادگیری بهتر، پس هر معلمی در هر کلاسی، اگر می‌خواهد مؤثر باشد، باید متد ارائه‌ی بازخورد توصیفی را یاد بگیرد و این در مدارس کوچک ساده‌تر است.

اگر بپذیریم هر دانش‌آموزی که به مدرسه می‌آید، انتظار دارد یک گام به جلو بردارد، دیگر نگران ضعیف یا قوی بودن دانش‌آموز نمی‌شویم، ظرفیت هر دانش‌آموزی در دستیابی به اهداف تابع توانایی‌های اوست و یکسان دیدن و یک انتظار داشتن از همه ابهام و مسئله و چالشی جدی است که باید این را خوب درک و درونی کرد.

می‌شود. با این وضعیت، چگونه می‌توان ارزشیابی را به شیوه‌ی درستی اجرا کرد؟

آن‌هایی که چنین افرادی را به کار گرفته‌اند باید این سؤال را پاسخ‌گو باشند. من معتقدم، تغییر در ساخت شناختی آدم‌ها به زمان نیاز دارد.

خیر. دلایل آن بیان شد. ضمن اینکه به این نکته خوب توجه شود که مخاطب معلم ابتدایی زیر ۱۳ سال است و این گروه سنی ویژگی‌های روان‌شناختی خاص خود را دارند. مثلاً به مرحله‌ی فراشناخت نرسیده‌اند.

این را قبلاً پرسیده‌اید و گفتم جرم است. هر کس آگاهانه این عمل را انجام می‌دهد، از نظر من درک درستی از مبانی سنجش به‌عنوان یادگیری ندارد.

این پرسش را نیز قبلاً پاسخ دادم و در نهایت بله.

این بخش با خاطره‌ها و تجربه‌های شما معلمان پُر بار می‌شود. لطفاً برای ما از خاطره‌ها و تجربه‌هایتان بگویید.

جوگیر شدن از نوع پلیسی

طوفان شیروانی

مدیر دبستان زنده‌یاد حاج کاظم عارف‌گز

شاهین‌شهر

تصویرگر: نسیم نوروزی



تقریباً نیم‌ساعت به زنگ آخر مانده بود که مأموران راهنمایی و رانندگی برای آموزش ما دبستان ما آمدند. دانش‌آموزان را به نمازخانه بردیم. آن‌ها با شور و هیجان به صحبت‌های مأموران گوش می‌دادند و به سؤال‌ها پاسخ می‌دادند.

برنامه تمام شد. زنگ زده شد و دانش‌آموزان با هیاهو به طرف خانه‌هایشان روان شدند. مأموران در حال تکمیل صورت‌جلسه بودند که چند دانش‌آموز وارد دفتر شدند و گفتند: «ما با سرویس نرفتیم».

با تعجب پرسیدیم: «چرا؟»

گفتند: «آقای پلیس گفتند، اگر کسی را که نمی‌شناسید آمد دنبالتان با او نروید!!»

مأمور راهنمایی و رانندگی گفت: «ما گفتیم اگر ماشین دیگری غیر از سرویس شما بود، با او نروید. الان که همه‌ی دانش‌آموزان سوار سرویس شدند و رفتند و مشکلی نبود!» فهمیدیم از قضا همان روز، راننده‌ی سرویس آن‌ها به‌جای کس دیگری آمده است. برای همین، دانش‌آموزان سوار آن ماشین نشده بودند. مجبور شدیم به اولیایشان اطلاع بدهیم. اولیا هم آمدند و بچه‌هایشان را بردند. اسم این ماجرا را گذاشتیم جوگیر شدن پلیسی!



نمک کلاس

مریم باغ گلشنی
آموزگار - یزد

- سپهر جان، می‌شود از زیر میز بیایی بیرون پسر؟ سپهر، لطفاً سرت را از جامیز بیاور بیرون!! باشه گل پسر، لطفاً الان بنشین. بعد از تمام شدن درس درباره‌اش با هم صحبت می‌کنیم.

این جملات هر روز بارها بین من، آموزگار کلاس سوم دبستان پسرانه‌ی حضرت جواد الائمه (ع) و سپهر، دانش‌آموزی که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ شاگرد من بود، رد و بدل می‌شد، اما تغییر چندانی در رفتار این پسر درس‌خوان اما پر جنب و جوش با آن قد بلند دیده نمی‌شد، تا اینکه تصمیم گرفتیم از بچه‌ها بخواهیم هر کدام موضوعی دلخواه را برای تدریس انتخاب کنند. به مدت ده تا پانزده دقیقه جای خود را با من عوض کنند و به‌عنوان معلم کلاس روی صندلی من بنشینند و برای من و دوستانشان صحبت کنند.

در ضمن، به آن‌ها گفتیم می‌توانند درس‌هایی مثل «هدیه‌های آسمان» یا «مطالعات اجتماعی» را انتخاب کنند. این پیشنهاد باعث خوش‌حالی زیاد بچه‌ها شد.

بچه‌های کلاس با شادمانی درباره‌ی چند و چون کار سؤال می‌کردند و من برای روشن شدن موضوع به آن‌ها توضیح دادم که با دقت به موضوعی که دوستانشان درباره‌ی آن صحبت می‌کند، گوش کنند و در پایان کار، ابتدا خوبی‌ها و نکات مثبت کارش و سپس اگر ایرادی داشت، آن را به بهترین شکل برایش بیان کنند. گفتیم: «هدف از این کار این است که بتوانند با آرامش و به درستی در جمع صحبت کنند.»

چند روزی از شروع کار بچه‌ها می‌گذشت که سپهر تصمیم گرفت مطلبی از کتاب «هدیه‌های آسمان» را تدریس کند. آن روز، من در نیمکت آخر کلاس و به جای سپهر نشستم و او کارش را شروع کرد. چند دقیقه که گذشت، رفتم زیر میز! یکی از دانش‌آموزان گفت: «سپهر! خانم زیر میز است!»

من سریع از زیر میز آمدم بالا و لبخند سپهر را دیدم بعد از مدتی، سرم را توی جامیز کردم که دوباره یکی از بچه‌ها گفت: «سپهر! خانم گوش نمی‌دهد!»

سپهر نگاهم کرد و زیباتر از قبل خندید و به کارش ادامه داد. پس از چند لحظه، دستم را به جعبه‌ی مداد رنگی داخل قفسه‌ی کلاس زدم که جعبه‌ی فلزی مداد رنگی‌ها با صدای بلندی به زمین خورد و مدادها روی زمین ریختند. بچه‌ها از تل خندیدند. حسام گفت: «سپهر! خانم امروز سپهر شده! می‌فهمی؟!»

سپهر با خنده به من نگاه کرد و گفت: «دخترم! راحت باش! تو نمک کلاسی عزیزم!» از آن روز به بعد، بچه‌ها سپهر را «نمک کلاس» صدا می‌کردند!

سکوت لیلا

اشرف السادات فخیم پور
مربی پیش دبستانی پسرانه حضرت
جواد الائمه (ع) ناحیه ۲ یزد



سکوت سنگین لیلا، بی‌علاقگی او
برای بازی با دوستانش و بغض صدایش فکرم
را به خود مشغول کرده بود. دلم می‌خواست
بدانم در ذهن لیلا چه می‌گذرد و چه چیزی
ذهنش را مشغول کرده که دختری با انرژی و
پرجنب و جوش مثل او را به سکوت واداشته است.
زمانی که درس می‌دادم، به یک نقطه خیره
می‌شد و هرچه صدایش می‌کردم، در رؤیای خود
بود. یک روز گچ را کنار گذاشتم و گفتم: «بچه‌ها!
می‌خواهم یک کار جالب را با هم تجربه کنیم؛ یک
بازی. چه کسی موافق است؟»
همه‌ی دست‌ها بالا رفتند.

- «چشم‌هایتان را ببندید و به یک خاطره یا اتفاق یا هر

چیزی که ذهنتان را مشغول کرده است فکر کنید.»

بعد از چند لحظه، گفتم: «چشم‌ها باز!» از فاطمه شروع کردم: «فاطمه،

عزیزم! دلت می‌خواد برای بچه‌ها بگویی به چه فکر می‌کنی؟»

فاطمه از عروسی خاله‌اش گفت که قرار است آخر هفته برود. نگرانی او این بود که مامان برایش تلی را که او می‌خواهد
می‌خرد یا نه؟

بعد از صحبت‌های فاطمه، رفتم سراغ لیلا. گوشه‌ی چشمانش پر از اشک بود. با بغض گفت: «خانم اجازه! به جوجه‌ام
که مرد فکر می‌کردم. به خدا تقصیر من نبود...» و دیگر گریه امانش نداد تا حرفش را تمام کند.

برای دل‌داری دادن به او گفتم: «معلوم است عزیزم که تقصیر تو نبود! تو جوجه‌ات را خیلی دوست داشتی!
می‌خواهی در مورد اتفاقی که برای جوجه‌ات افتاده است صحبت کنی؟» با سر جواب داد: «نه.» رو به بچه‌ها کردم
و گفتم: «بچه‌ها بیایید برای لیلا جوجه‌های کاغذی درست کنیم و این جوری با او همدردی کنیم.»

از فردا دیگر لیلا شده بود لیلای قبلی؛ پرانرژی و پرجنب و جوش.

علاقه به آموزش و بودن در کنار بچه‌ها باعث شده بود امسال هم فعالیت‌های آموزشی و تربیتی‌ام را با انگیزه‌تر از سال‌های قبل، در مدرسه‌ی جدید و با دانش‌آموزان جدید شروع کنم.

وارد کلاس که شدم، برق چشمان همه‌ی آن‌ها داد می‌زد که قرار است چه روزهایی را در کنار هم سپری کنیم. شیطنت بچه‌ها به حدی بود که تعیین نماینده، اطلاع به دفتر مدرسه و حتی صحبت‌های خودم هم چندان تأثیرگذار نبود. یک ماه از شروع مدرسه می‌گذشت و این وضع همچنان ادامه داشت. فکر آرام کردن بچه‌ها و تمرکز بیشتر آن‌ها روی درس، ذهنم را به خودش مشغول کرده بود تا اینکه یک روز تصمیم گرفتم از خود بچه‌ها برای این کار کمک بگیرم. به آن‌ها گفتم، برگه‌های کوچکی آماده کنند و روی آن بنویسند چه کارهایی بد است و نباید در کلاس انجام داد. در واقع، می‌خواستم از خودشان برای اداره‌ی کلاس کمک بگیرم. نظرها را که نوشتند، از نماینده خواستم برگه‌ها را جمع کند. به دقت همه‌ی آن‌ها را خواندم. یک مقوای سفید تهیه کردم و از وسط خطی عمود در آن کشیدم. در یک سمت، اسامی بچه‌ها و در سمت دیگر کارهایی را که به نظرشان بد می‌آمد، نوشتم. قرار بر این شد که با هر کار خوب و بد، یک علامت مثبت یا منفی برای هر کدام ثبت کنیم. هر سه کار بد هم امتیاز یک کار خوب را از بین می‌برد و با داشتن سه امتیاز مثبت، به آن‌ها کارت تلاش داده می‌شد. شوق گرفتن جایزه و علامت‌های روی مقوا باعث شد بچه‌ها مراعات کنند و اندکی از شیطنتشان کاسته شود. اینک این مقواست که هر روز بر دیوار کلاس‌مان خودنمایی می‌کند. گاهی از علامت‌هایش کاسته می‌شود و گاهی به آن‌ها اضافه می‌شود.



مبصر کاغذی

سیده طیبه اندرواژ
آموزگار پایه‌ی چهارم
دبستان هیئت امنایی
شهیدان نوروزی و رضایی
شهرستان ساری ناحیه‌ی یک

مهر

آبان

آذر

دی

بهمن

اسفند

فروردین

اردیبهشت

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

اینجا صفحه‌ی معلمان صفر کیلومتر است؛ صفحه‌ای که تصمیم گرفتیم در آن اولین‌های چند معلم را ثبت کنیم. اولین دل‌خوشی، اولین ترس، اولین غم. جواد، آناهیتا و رضا نیز اولین معلم‌هایی بودند که داوطلب شدند پله به پله تمام تجربیات اولین سال تدریسشان را در اختیار ما بگذارند. البته آناهیتا در مرحله‌ی دوم از ادامه‌ی بازی انصراف داد، اما از این شماره یک مهمان جدید به جمع ما اضافه می‌شود: تکتیم. تکتیم عارفخانی در روستای طالبی بخش سر ولایت نیشابور، معلم یک کلاس چند پایه است. به نسبت جواد و رضا انرژی بیشتری پشت کلماتش پنهان کرده است و امیدواریم با این همه انرژی معلمان دهه‌ی هفتادی، این صفحه برای شما به یک صفحه‌ی پرانرژی تبدیل شود.

معلم صفر کیلومتر

زهرا صنعتگران



بر تکتم چه گذشت؟

– همیشه به دبیری علاقه داشت، اما تصور نمی کرد از طریق دانشگاه فرهنگیان وارد این حرفه شود. دلش می خواست ادبیات عرب یا روان شناسی بخواند.

– به انتخاب خودش پایه های اول و دوم را انتخاب کرد. به نظر او سروکله زدن با کلاس سومی ها به بعد سخت است؛ چرا که آن ها به قالب مدرسه عادت کرده اند و نسبت به معلمان پیش داوری دارند. تکتم ترجیح می داد اولین نفری باشد که خواندن و نوشتن را به شاگردانش یاد می دهد.

– پیش از شروع سال تحصیلی، بزرگ ترین ترس تکتم این بود که در یک منطقه ی دور مجبور به تدریس باشد و خانم عارفخانی این روزها معلم یک منطقه ی دور است.

– مدیر و معاونان مدرسه این معلم دهه ی هفتادی را از خانواده های دانش آموزان روستا ترسانده بودند. او فکر می کرد باید با هر دانش آموز مطابق توصیه های مدیر عمل کند، اما این کار را نکرد.

– برخلاف تصور تکتم، خانواده ها با شیوه ی برخورد متفاوت خانم معلم مشکلی نداشتند.

– عارفخانی حدود ۳۵ درصد ایده های پیش از معلم شدنش را به اجرا در آورده. او نسبت به آینده خوش بین است و معتقد است شش ماه دیگر برای اجرایی کردن باقی ایده آل هایش فرصت دارد.

– تکتم، مثل یک دهه هفتادی اصیل، شاگردان او از اینکه معلمشان اینستاگرام را می شناسد، می تواند صدایش را تغییر دهد، نمایش بازی کند و در انتخاب نقش دانش آموزان را آزاد بگذارد، خوش حال اند.

– او از خانواده های دانش آموزان اجازه گرفته است که بچه ها را بزنند! البته دست پیش گرفته است تا پس نیفتد. یاسین اولین دانش آموزی بود که صدای داد زدن خانم معلم را شنید. اطلاعات رسیده حاکی از این است که یاسین ترجیح می داد پسر خوبی شود، اما پیش مدیر نرود. یاسین بچه ی خوبی شد! حالا حوزه ی مزاحمتش فقط خندانیدن بچه هاست. دیگر مثل روزهای اول کسی را اذیت نمی کند.

– تکتم عارفخانی تا امروز به غلط کردم نیفتاده است. او مشکلی با معلمی ندارد و دلش می خواهد ۱۵ تا شاگردش را بردارد ببرد جایی که کسی به شیوه ی آموزشش گیر نمی دهد و سر کلاس تفتیشش نمی کنند.

– عارفخانی حس می کند نسبت به هم سن و سالانش بزرگ تر شده است. او باورش نمی شد در عرض یک سال رفت و آمد به اداره و سروکله زدن با بچه های مردم، تا این حد روحیاتش تغییر کنند. همین معلم دهه ی هفتادی سال قبل، بعد از هر جلسه ی کارورزی، یک دور غر می زد و گریه می کرد، اما امسال نه مدیر و نه دوستانش، هیچ کدام از مشکلات داخل کلاس تکتم باخبر نیستند.



تکتم عارفخانی با شاگردانش

به روال سابق سؤالات مشترک از رضا و

جواد چه خبر؟

بزرگ ترین مشکل یک ماه اخیر این سه

معلم چه بود؟

جواد: یکی از بچه ها مشکل اختلال یادگیری دارد، اما ما هنوز مرکز درمان اختلال نداریم. یک مدت با توجه و جایزه اوضاع بهتر شد، اما حالا هر روز جایزه می دهم و تغییری در وضعیت کلاس ایجاد نمی شود. جدای از این، مشکل مدیریت وقت دارم. معلم های دیگر پنج دقیقه دیر تر سر کلاس می روند و ده دقیقه هم زودتر تعطیل می کنند، اما من، با اینکه گاهی زنگ تفریح ها را هم می مانم، باز عقیم!

رضا: والدین در کل از شیوه ی آموزش ضرب و تقسیم آگاهی نداشتند. مجبور شدم چند جلسه کلاس برای والدین بگذارم. اوضاع به نسبت قبل بهتر شده است، اما این امتحان گرفتن ها و نمره های بد بچه ها کلافه ام کرد.

تکتم: بزرگ ترین مشکل من تفاوت نسل و فرهنگ بود. بعضی وقت ها خود مدیر و ناظم گیر نمی دادند؛ اما مثلاً اینکه به فلان معلم می گفتی بر گه را بده، دردسر درست می کرد. منظورم دردسر قانونی نیست؛ دردسر هنجاری و عرفی. ما با توجه به اینکه از یک شهر دیگر می آمدیم، تنها کسانی که می شناختیم، همان مدیر و معلم های مدرسه بودند. این غیرطبیعی نیست که یک معلم برای گرفتن نفت، خریدهای سخت یا تعمیرات، از کسانی که آن ها را می شناسد، کمک بگیرد، اما از نظر بعضی از معلم های بومی، تمام این کارها هنجارشکنی به حساب می آمد و اذیت می کردند.

بچه ها کدام رفتار معلمشان را دوست

ندارند؟

رضا: فکر می کنند سخت گیرم. حتی به طور علنی گفتند معلم سال قبلشان جواب سؤال ها را می داد و من نمی دهم. مدام غر می زنند و انتظار دارند من هم مثل معلم سال قبلشان، تا از پس یک سؤال بر نیامدند، جواب را روی تخته بنویسم.

جواد: از اینکه خیلی پای تخته نمی برمشان شاکمی اند. ما بیشتر با کاربرگ کار می کنیم و حل تمرین گروهی داریم، اما بچه ها عادت دارند پای تخته بیایند. حتی خانواده هایشان



رضا اصغری

هم فکر می کنند اگر بچه ها پای تخته نیابند یعنی چیزی یاد نگرفته اند!

تکتم: فکر می کنند زیادی جدی ام، چون چندبار که خندیدم، همه ذوق می کردند و جیغ می زدند وای خانم خندیدید! لباس های تیره هم که بپوشم، کلافه ام می کنند. تا آخر کلاس صدار می پرسند پس چرا زنگ نمی خورد و اصلاً گوش نمی دهند.

آیا این معلمان دهه های هفتادی، در این مدت با لج بازی یا شورش بچه ها مواجه شده اند؟

تکتم: همیشه به این فکر می کنم که لج می کنند یا واقعاً نمی فهمند؟ شاید همه چیز برای آن ها یک بازی است، اما ما خیلی جدی تصمیم گرفتیم ضرب و جمع و تفریق را در مغز این بچه های هفت هشت ساله فرو کنیم. من بعضی وقت ها که خیلی شلوغ کنند زیاد تمرین می دهم. این طور، مواقع شروع می کنند به سؤال پرسیدن. البته کاری با من ندارند، فقط تا به جلوی میزم برسند، با همه ی آدم های سر راهشان حرف می زنند!

جواد: بچه های دبستانی، آن هم در روستا آن قدر جرئت ندارند که شورش کنند، اما بعضی وقت ها یک بند، یک بند در تمام مدتی که درس می دهم، بی وقفه حرف می زنند و مزاحم تدریس می شوند.

رضا: شاگردان من اسطوره ی غرغرنده، این غر زدنشان از هزار جور شورش بدتر است.

آن ها در مواجهه با کلاس نامطلوب چه می کنند؟

رضا: بیشتر سعی می کنم با حرف توجیه شان کنم. مثلاً یک بار گفتم اگر من هم مثل معلم سال قبلتان عین جواب را بدهم، چیزی یاد نمی گیرید. یکی غر زد که حالا مثلاً یاد گرفتن این درس ها به چه درد ما می خورد؟ آنجا به کاربرد عینی تر مباحث درس فکر کردم و از خود روستا برایشان مثال زدم. آن یک بار این موضوع واقعاً در همراه شدن بچه ها کمک کرد.

جواد: اوایل تمرین کاغذی بیشتری می دادم. آن قدر تمرین می دادم تا ساکت شوند. اما تازگی ها یک فایل ورد آماده کرده ام که وقتی بچه ها فایل را می بینند، دستشان می آید ممکن است داخلش تمرین باشد و خودشان همدیگر را ساکت می کنند. شاید راه حل من

بهترین راه نباشد، اما لاف کم کم کرده است تا به جای تمرین دادن های بی خود، برای درس وقت بگذارم.

تکتم: فقط خودم را کنترل می کنم که داد نزنم. به نظر خودم، وقتی ساکت باشیم، یک قدم از وقتی داد می زنیم جلوتر هستیم. اما متأسفانه، من این طور مواقع برای اینکه داد نزنم، در کل جواب هیچ کس را نمی دهم!

جواد، رضا و تکتم در این شش ماه چه تجربه ای به دست آورده اند؟

تکتم: اوایل مشکلات کلاس را در دفتر عنوان می کردم، اما به مرور فهمیدم نیازی به این کار نیست و باید بیشتر مدیر کلاس خودم و مورد اعتماد بچه ها باشم.

رضا: نباید با بچه ها خیلی صمیمی می شدم. از یک جایی به بعد کنترل اوضاع از دستم خارج شد. بچه ها همه چیز را به شوخی گرفتند و می خواستند فقط هر کاری را که آن ها دوست دارند در کلاس انجام بدهم.

جواد: نباید فقط بر اساس درس بچه ها را گروه بندی می کردم. زمان گروه بندی حواسم به تنوع فرهنگی، مذهبی و قومیتی دانش آموزان نبود. نمی خواستم فضای قطبی در کلاس به وجود بیاورم. البته هنوز هم نمی دانم چکار کنم؟ در هر گروهی می فرستمشان، صبح نشده پدر یکی می آید که فلائی را از گروه بچه ی من در بیاور! فعلاً تصمیم گرفته ام گروه ها را به جای پنج نفر سه نفری کنم. این طوری اقلیت های هر گروه فشار کمتری تحمل می کنند. در عوض، برای اینکه پدر و مادرها هم راضی بشوند، قرار شد تکالیف خانه را هم گروهی بدهم و هر دانش آموز با همسایه های خودش یک گروه جدا در محله ی خودشان باشد.

آیا معلمان صفر کیلومتر ما احساس ترس یا ناامیدی دارند؟

رضا: از اینکه سال تمام بشود و والدین بگویند فلائی هیچ چیز به بچه ی ما یاد نداد و از اینکه بچه ها چیزی یاد نگیرند و یاد گرفته هایشان یادشان برود، می ترسم. از طرف دیگر، گاهی واقعاً شک می کنم این درس ها به درد بچه های روستا می خورد یا نه؟ اینجا قواعد و شرایط خاص خودش را دارد. مدرسه برای بچه ها نوعی آموزش اضافه است، نه آموزشی که کاربرد داشته باشد.

جواد: مسئله ی گروه ها خسته ام می کند. هنوز ناامید ناامید نشده ام اما مثلاً دلم می خواست بچه ها بیشتر به فکر هم باشند و سرگروه ها فقط برای نمایش و بالاتر بردن خودشان کار نکنند. جدای از این، چیزی که ناامیدم کرده، رفتار خشک و بدون انعطاف مدیر و ناظم است. به نظر مسئولان مدرسه ی ما، مدرسه همین میز و نیمکت است که نسبت به زمان بچگی آن ها بهتر شده! حتی نمی گذارند نصف کلاس را موقت کنم، بچه ها را به اردو ببرم یا خودم تجهیزات کمک درسی بیاورم.

تکتم: وقتی یک هفته برای درس دادن یک مبحث وقت می گذارم اما بچه ها چیزی یاد نمی گیرند، تمام باورهایم نابود می شوند. این موضوع مأیوسم می کند. در مورد ترس هم، از اینکه شبیه بقیه ی معلمان سن دار و سرد بشوم، وحشت دارم. فکر می کنم الان تنها برگ برنده ام همین تفاوت است و اگر همان را هم نداشته باشم، تمام زندگی ام هدر رفته است.

نسل جدید معلمان برای اینکه خستگی شان در برود چه می کنند؟

تکتم: آخر هفته ها می روم خانه و یک بند، خاطرات شنبه ساعت ۸ تا چهارشنبه ساعت ۱۲ را برای مادرم تعریف می کنم. درباره ی مسائل دیگر، از پدرم که خودش مدیر مدرسه بوده، یا معلمی که دوران کارورزی سر کلاش می رفتم، کمک می گیرم و تلاش می کنم برای شروع هفته بعد کمی سرحال تر باشم.

جواد: سعی می کنم در وقت های آزاد روی درس هایی که هیچ وقت در دانشگاه نخوانده بودم وقت بگذارم، یا راه حل مشکلاتم را از این طرف و آن طرف جست و جو کنم تا لاف هر هفته با مشکلات تکراری روبه رو نشوم و روی غلتک بیفتم.

رضا: اگر خیلی خسته باشم، می روم سراغ کوه یا پیاده روی، اما وقت هایی که کلاس ضمن خدمت می گذارند، وقتم را برای کلاس خالی می کنم. راستش در دانشگاه - شاید چون هنوز وسط بحران درس دادن گیر نکرده بودیم - فکر نمی کردیم باید چیزی یاد گرفت، اما الان بعضی از این کلاس ها، با اینکه کلاس اند و تفریحی ندارند، می توانند با یکی دو تا نکته ی کاربردی خستگی ام را در کنند.

حمله به اغتشاش

دکتر نیره شاه محمدی

معلم پاسخ دهند. ممکن است این رفتار به خاطر نیاز آن‌ها به مورد توجه واقع شدن باشد. در چنین مواردی، به این گونه دانش آموزان توجه بیشتری می‌کردم، اما مهم این بود که آن‌ها هم یاد بگیرند برای جواب دادن به سؤال با بلند کردن دست خود نوبت بگیرند تا همه بتوانند در فعالیت‌های کلاسی مشارکت کنند. برای ترغیب آن‌ها به رعایت این نکته، هر فردی که با اجازه گرفتن صحبت می‌کرد، می‌توانست نماینده‌ی بعدی کلاس یا مسئول حضور و غیاب دانش آموزان باشد. گاهی اوقات احساس می‌کردم برخی دانش آموزان فقط قصد دارند با شلوغ کردن حوصله و صبر مرا محک بزنند. برای برهم زدن این نقشه به آن‌ها توجهی نمی‌کردم و به انگیزه‌ی آن‌ها پاداش نمی‌دادم. پس از مدتی این رفتار نیز خاموش می‌شد. گاهی نیز برای ایجاد تنوع و در عین حال حفظ نظم کلاس، زیر لب صحبت می‌کردم. با این کار دانش آموزان کنجکاو می‌شدند و چون دوست داشتند همه‌ی صحبت‌ها را بشنوند، به جای سروصدا کم‌کم سکوت برقرار می‌شد. برای جلب توجه دانش آموزان حواس پرت، از یک دانش آموز می‌خواستم سؤال را دوبار مطرح کند و سپس از دانش آموزی که به کلاس توجه نداشت، می‌خواستم به سؤال پاسخ دهد. این کار باعث می‌شد دانش آموزان بکوشند متوجه کلاس باشند. معلم نمی‌تواند و نباید جلوی تحرک دانش آموزان را بگیرد. پس گاهی اوقات برای ایجاد شادابی و نشاط بیشتر، تدریس را در فضای بزرگ‌تری انجام می‌دادم تا آن‌ها بتوانند با هم و به صورت گروهی کار کنند. یک سویه بودن فعالیت معلم و منفعل بودن دانش آموزان در هنگام یادگیری به خستگی زودرس آن‌ها و درهم ریختگی کلاس می‌انجامد.

در نهایت متوجه شدم، معلم باید:

۱. بتواند به تفاوت‌های فردی دانش آموزانش توجه و آن‌ها را شناسایی کند و به رسمیت بشناسد.
۲. اغتشاش را فرصت تلقی کند، نه تهدید.
۳. رابطه‌ی دوستانه‌اش را با دانش آموزان تقویت کند.
۴. با ایجاد انگیزه و شوق یادگیری در دانش آموزان، انتخاب تکالیف مناسب و متنوع و دادن بازخورد به موقع در زمینه‌ی فعالیت‌ها، در مدیریت مؤثر کلاس بکوشد.

اولین سال فعالیت‌م به عنوان معلم، تعداد ۴۵ دانش آموز در کلاس حضور داشتند. کنترل کلاس برایم سخت بود. همواره با دودسته، دانش آموز مشکل ساز روبه‌رو بودم؛ دسته‌ی اول دانش آموزانی بودند که مشاجره می‌کردند، فریاد می‌زدند، بدون نوبت صحبت می‌کردند، مدام از جای خود بلند می‌شدند و نسبت به دوستان خود بی ادبی می‌کردند.

و دسته‌ی دوم دانش آموزانی که تکالیف خود را انجام نمی‌دادند، از تمرینی به تمرین دیگر می‌رفتند، برای پاسخ به سؤال اجازه نمی‌گرفتند و با بقیه رعایت ادب نمی‌کردند. هر دو گروه از نظر من اخلاک‌گر بودند. کم‌کم متوجه شدم هر کدام از این دو گروه برخورد متفاوتی را می‌طلبند. من با توجه به مفهوم تفاوت‌های فردی، بر آن شدم این موضوع را درباره‌ی دانش آموزانم بررسی کنم. البته به مرور زمان احساس کردم در مقابل رفتار چنین دانش آموزانی صبورتر شده‌ام.

تصمیم گرفتم برای کنترل پرحرفی دانش آموزانم از شیوه‌ی بحث و گفت‌وگو در گروه‌های کوچک استفاده کنم. برای اجرای بهتر این فعالیت، درباره‌ی وظایف و زمان هر فرد برای صحبت در گروه، توضیحات لازم را دادم. مدیریت زمان و رعایت نوبت هر فرد توسط دیگر اعضای گروه را نیز به عهده‌ی یک سرگروه گذاشتم. او مراقب بود هر دانش آموز در محدوده‌ی زمانی مشخص شده‌ی خود نظراتش را بیان کند. گاهی خودم نیز برای تشویق دانش آموزان کم حرف دخالت‌های کوچکی می‌کردم، مثلاً با طرح سؤال‌هایی آن‌ها را به صحبت کردن ترغیب می‌کردم.

برای جلوگیری از بازیگوشی و جنب و جوش بیش از حد برخی از دانش آموزان در کلاس، در انجام فعالیت‌هایی مانند جمع آوری تکالیف دانش آموزان یا مرتب کردن کلاس از آن‌ها کمک می‌گرفتم. با این کار حس مسئولیت‌پذیری در آن‌ها تقویت می‌شد. نتیجه این بود که به رفتارهای مطلوبی مانند گوش دادن و سؤال کردن از معلم و رعایت نظم کلاس بیشتر توجه کنند.

معمولاً در هر کلاس دانش آموزانی هستند که برای جلب توجه معلم و همکلاسی‌های خود سروصدا و خودنمایی می‌کنند یا بدون نوبت و با سروصدا می‌خواهند به سؤال

ظرافت‌های معلمی،

تکه‌ی گمشده‌ی مدیریت کلاس

فربا سروری عموقین

معلم دبستان

کازمیه،

ناحیه ۲

ساری

تدریس امر پیچیده‌ای است که لازمه‌ی آن تنها داشتن اطلاعات تخصصی نیست، بلکه داشتن مهارت نیز ضرورت دارد. امروزه تدریس فقط انتقال دانش موجود به دانش‌آموزان نیست، بلکه شامل آموزش شیوه‌هایی است که به دانش‌آموزان یاد می‌دهند چگونه یاد بگیرند. ضرورت ایجاد و حفظ محیط مناسب برای فعالیت‌های یاددهی و یادگیری ایجاد می‌کند. معلمان از ویژگی‌های کلاس درس و موانع بازدارنده و مخل یاددهی - یادگیری و راهکارهای غلبه بر آن‌ها آگاهی کافی داشته باشند. در این مقاله سعی شده است آموزگاران با تکنیک‌ها و اصول مدیریت کلاس آشنا شوند تا بتوانند از آن‌ها در کلاس درس خود استفاده کنند:

رفتار مطمئن

همواره همانند شخصی مطمئن رفتار کنید. صادقانه با ترس‌های خود روبه‌رو شوید و قبل از آمدن به کلاس آن‌ها را بپذیرید.

در حرف‌ها و اعمال خود شتاب به خرج ندهید.

در تماس چشمی با کلاس و افراد آن حالت آرامش و اطمینان‌بخشی را حفظ کنید.

از حالت‌ها و رفتارهای عصبی اجتناب کنید.

به کلاس لبخند بزنید و در خنده‌های معقول کلاس شرکت کنید.

دقت کنید نسبت به رفتار بچه‌ها خصومت غیرمنصفانه یا عکس‌العمل تند نداشته باشید.

هماهنگی و عدالت

برای داشتن عملکرد موفق، بچه‌ها باید بدانند معیارهای وضع‌شده‌ی معلم دستخوش تغییر غیرمنتظره و استبدادی نمی‌شود. معلم بدون هیچ دلیل خاصی میان شاگردان فرق نمی‌گذارد و در کار و رفتار با شاگرد یا با کل کلاس، حتی در روزهای مختلف، رفتارهایی آشفتگی و متغیر بروز نمی‌دهد. هماهنگی در کار معلم با مفهوم عدالت پیوسته است، ظاهراً عدالت جایگاه خاص و پر اهمیتی در نظر شاگردان دارد.

قابلیت‌های انعطاف در مواجهه با مشکلات

برخی از رفتارها در مقوله‌ی خاصی جای نمی‌گیرند و به‌طور غیرمنتظره روی می‌دهند یا بخشی از سلسله متغیرهایی هستند که کار معلم را شکل می‌دهند. بچه‌هایی که در زمره‌ی این اختلال عادی جای نمی‌گیرند ممکن است ناگهان عملی مهم انجام دهند یا توسط افراد خارج از کلاس اختلالات غیرمنتظره‌ای رخ داده و به شکل یک مانع عمل کند (اتفاق مکرری که در دبستان رخ می‌دهد) در این موارد، معمولاً معلم باید قبل از اینکه اوضاع به‌صورت مشکلی عمده درآید، یک سخن قاطع به شخص غریبه بگوید این کار به کلاس نشان می‌دهد که معلم نسبت به همه مسائل کلاس آگاه است. بدین ترتیب، معلم می‌تواند به‌سرعت تصمیم بگیرد که چیزی را قبول کند یا نه. همچنین معلم از خود استحکام و ثباتی نشان می‌دهد مبنی بر اینکه معیارهای معقولی که تحت حمایت آن‌ها کار امکان‌پذیر می‌شود مورد توجه هستند.



کسب معلوماتی درباره‌ی دانش‌آموزان

معلم با شناخت تک‌تک بچه‌ها، آشنایی با سوابق، سطوح توانایی، شخصیت، تجرب قبلی در مدرسه و ارتباط آن‌ها با افراد کلاس در موقعیت بهتری قرار می‌گیرند او می‌تواند از این راه، روش‌های مؤثر و واقع‌بینانه کنترل را تجربه کند. معلم باید نسبت به مشخصات فردی شاگردان خود حساس بوده و از این حساسیت در کمک به تفسیر رفتار آن‌ها یاری گیرد. برای اجتناب از درگیری‌های غیرضروری با افراد و موقعیت‌های مشکل‌زا نیز می‌توان از آن اطلاعات بهره برد. علاوه بر اینکه معلم با مطرح کردن معلومات شخصی خود مثل علایق، سرگرمی‌ها و نظریات خود در باب امور مختلف به بچه‌ها ثابت می‌کند که او نیز مثل افراد دیگر است. دانستن نام دانش‌آموزان در این زمینه از اهمیت اساسی برخوردار است.

معیارهای واقع‌بینانه

پس از معلومات معلم درباره شاگردان، وضع معیارهای مناسب و واقع‌بینانه‌ی کلاس مطرح می‌شود این نکته هم در مورد کار آموزشی هم در رفتارهای اجتماعی، صدق می‌کند اگر معلمان برای خود انتظارات غیرواقع‌بینانه و بالایی در نظر بگیرند (یا به‌ندرت سطح پایین) هم خود و هم دانش‌آموزان دلزده و ناکام می‌شوند. معلم احساس می‌کند کلاس حداکثر سعی خود را انجام نمی‌دهد و شاگردان احساس می‌کنند برای کاری که توانایی انجام آن را ندارند مورد گلیزه و شکایت قرار می‌گیرند. بهتر است معیارهایی مطابق با امکانات موجود درباره‌ی هر یک از گروه‌های خاص دانش‌آموزان وضع کرد.

لذت بردن از تدریس

این یک تغییر تقریباً نامرئی است که نقش مهمی در تدریس موفق و نگهداری کنترل خوب کلاس ایفا می‌کند. این متغیر عبارت است از لذت حاصله از کار تخصصی در معلم. این لذت معمولاً با علاقه نسبت به شاگردان و علاقه‌مندی وافر و نیز استادی نسبت به موضوع درس همراه است. هنگامی که این علاقه و لذت نسبت به کلاس و کار در معلمی وجود داشته باشد به احتمال زیاد دانش‌آموزان او را معلمی می‌دانند که در کار خود حل شده است. کاری که شغل مهم و پرازشی است. متعاقباً آن‌ها نیز نسبت به شغل معلمی و نسبت به وظیفه لذت می‌برند و صمیمیت بیشتری نسبت به دانش‌آموزان خود خواهند داشت.

منابع

۱. براون، سالی. (۱۳۸۲). راهنمای تدریس مؤثر (ترجمه کوروش فتحي واجارگاه). تهران: آبیژ.
۲. بیلر، رابرت فردریک. (۱۳۷۶). کاربرد روان‌شناسی در آموزش (ترجمه پروین کدیور). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. تالیستون، دونواکر. (۱۳۸۶). آنچه هر معلم باید بداند: مدیریت کلاس و کلاس‌داری (ترجمه بهمن ابراهیمی، علی اسماعیلی). تهران: شلاک.
۴. رگ، ادوارد کنراد. (۱۳۸۲). مدیریت کلاس در دبستان (ترجمه علیرضا کیامنش، کامران گنجی). تهران: رشد.
۵. رتوفی، حسین. (۱۳۷۷). مدیریت، رفتار کلاسی، چاپ دوم، انتشارات آستان قدس رضوی.

روزی که شاگردتان از این خاطرات تعریف می‌کند... شاید دیگر نباشید!

زهرا صنعتگران

گاهی همین‌طور که وسط مهمانی نشسته‌ایم، از دوران کودکی بحث می‌شود. هرکس از پرنک‌ترین تصویرهای ذهنش و از عجیب‌ترین هایش حرف می‌زند؛ مثلاً از معلمانی که مزه‌ی محبت آن‌ها زیر زبان مهندسان و مدیران امروز مانده، یا از بعضی معلم‌های چوب‌تر به دست. البته این چوب‌تر گاهی با زبان است و گاهی با توهین. معلم هم آدم است. گاهی از کوره در می‌رود و چیزی می‌گوید. اما باید به یاد داشته‌باشد که اثر یک حرکت، یک کلمه و یک نگاه تا آخر عمر با دانش‌آموز می‌ماند. این صفحه مثل یک دوره‌می است. هیئت منصفه، قاضی یا خبرنگار نداریم اما می‌خواهیم لایه‌لای مجله یک قسمت را به خاطرات دانش‌آموزانی اختصاص بدهیم که حالا برای خودشان خانم یا آقای شده‌اند. دانش‌آموزان، معلمانشان را فراموش نمی‌کنند تصویر شما در ذهنشان حک می‌شود. هرطور که باشید و هرطور که عمل کنید. با ما باشید...

بهنام محمدی - لیسانس زیست‌شناسی

پدرم نجار بود و من کلاس اول دبستان، برای نشان دادن لوحه‌هایی که به تخته می‌چسباندیم، یک شمشیر چوبی درست کردم اما حدود دو هفته بعد، وقتی یک‌بار حواسم نبود، معلم‌مان با همان شمشیر به کمرم زد!

مینا شکرخواه - کارشناس ارشد هواشناسی

سال سوم دبستان بودم. سر امتحانات دی‌ماه معلم‌مان بالای سرم داد زد شکرخواه، این مزخرفات چیه نوشته‌ای؟! از ترس تمام سؤالات را پاک کردم و جواب‌ها را تغییر دادم. بعد فهمیدم، فقط یک سؤال اشتباه بوده است، اما فرصت نبود دوباره همه‌ی سؤال‌ها را یک‌بار دیگر پاک کنم و از اول بنویسم. نمره‌ی آن امتحانم ۵ شد. به خاطر آن پنج، سوم دبستان از خانواده تا هم‌کلاسی‌ها، همه مسخره‌ام کردند.

سعید وحدانی - کارشناسی ارشد معماری

مدرسه‌ی ما در شیراز بود. معلم سال دوم خیلی دوستم داشت و یک‌بار وقتی از سرویس جا ماندم، تا دم در خانه همراهم آمد. تازه سر راه دو تا پفک هم خرید و خوردیم. تا مدت‌ها به خاطر این خاطره به بقیه پز می‌دادم، اما جدای از پز دادن آن روز واقعاً وحشت کرده بودم. فکر می‌کردم یا باید تا صبح روی نیمکت‌های کلاس بخوابم یا تنهایی برگردم. وقتی معلم‌مان پرسید چرا جلوی در ایستاده‌ای، شبیه بدبخت‌ها موقعیتم را توضیح دادم. در دلم گفتم الان این آخرین بازمانده هم می‌رود، اما او نرفت و همراهی‌اش شد عامل پز دادن من.

کیمیا کریمی - دانش آموز دوم دبیرستان

چهارم دبستان که بودم، فکر می‌کردم معلم‌مان بین چند تا از بچه‌ها فرق می‌گذارد. یکی از شاگردها، بچه‌ی یکی دیگر از معلم‌های مدرسه بود. آن قدر این فرق گذاشتن اذیتم می‌کرد که هر شب قبل از خواب یک دور اتفاقات صبح را مرور می‌کردم و با گریه می‌خوابیدم. بامزه اینکه هرروز صبح فکر می‌کردم شاید امروز به چشم خانم معلم ببایم، اما به جز یک‌بار، که با باتری آهن‌ربا درست کرده بودم و بین همه‌ی آهن‌رباها فقط آهن‌ربای من کار کرد، هیچ‌وقت به چشمش نیامدم!

مرجان قیاسی - کارشناس ارشد جغرافیا

خانم کلانی همیشه یک جوری موهایش را می‌بست که همه سرزنشش می‌کردند. آن سال‌ها هنوز کلیس مد نبود، اما بالای مقنعه‌ی خانم کلانی برجسته بود و همیشه دم در مدرسه، مادرها از اینکه دلشان نمی‌خواهد بچه‌شان کلاس خانم کلانی باشد، شکایت می‌کردند. چهار ماه بعد، وقتی من کلاس پنجمی شدم، دیگر خانم کلانی نیامد. اوایل فکر می‌کردیم به خاطر شکایت مادرهاست، اما یک روز ناظمان گفت کلانی در سرش غده داشته و برنمی‌گردد. نمی‌دانم چرا؟! اما تنها خاطره‌ای که از دبستان دارم، تصویر مقنعه‌ی خانم کلانی است. با اینکه به من هیچ ربطی نداشت، اما هنوز یک جور عذاب وجدان بدی دارم که هر بار یادش می‌افتم، دلم ریش می‌شود.



بهترین آموزگاری که داشته‌ام

نویسنده: دیوید اُون
ترجمه: مجید عمیق

آقای

وینسون معلم علوم
کلاس ششم ما بود. یکی از
روزها درباره‌ی جانوری حرف زد
که شب شکار بود و به دلیل آنکه
نتوانسته بود خودش را با شرایط
زیستی محیطش سازگار کند، نسلش
منقرض شده بود. آقای وینسون گفت این

جانور در دوره‌ی یخبندان می‌زیست و اسمش هم «کتی و مپوس» بود. او ضمن صحبت کردن درباره‌ی این
جانور، مجموعه‌ای هم در دستش گرفته بود و مدام درباره‌ی ویژگی‌های آن حرف می‌زد، ما هم هر چه را می‌گفت
یادداشت می‌کردیم. سپس زنگ دوم علوم، آقای وینسون از ما یک امتحان تستی گرفت.

وقتی آقای وینسون برگه‌ی پاسخ‌نامه‌ی من را تحویل داد، خیلی شوکه شدم، برای اینکه یک علامت بزرگ قرمز در مقابل
همه‌ی پاسخ‌هایم گذاشته بود! من در این امتحان مردود شده بودم، در حالی که همه‌ی پرسش‌ها را درست پاسخ داده بودم و
عیناً همان چیزهایی را نوشته بودم که خودش سر کلاس گفته بود! پیش خودم فکر کردم حتماً اشتباه شده است؟ اما فقط من
یکی مردود نشده بودم، بلکه همه‌ی کلاس مردود شده بودند.

آقای وینسون توضیح داد: «امیدوارم متوجه قضیه شده باشید. هرگز چنین جانوری وجود نداشته است. بنابراین، همه‌ی گفته‌های
من نادرست بودند.»

او همه‌ی ما را خطاب قرار داد و گفت: «به نظر تان برای پاسخ‌های نادرست باید نمره‌ی خوب می‌گرفتید؟»
آقای وینسون به حرف‌هایش ادامه داد: «شما باید خودتان حدس می‌زدید. به علاوه، وقتی من مجموعه‌ی این جانور عجیب و غریب و
غیرواقعی را در کلاس نشان‌تان می‌دادم (در واقع مجموعه‌ی یک گربه بود) مگر نمی‌گفتم هیچ نشانه‌ای از این جانور به‌دست نیامده و نسلش
منقرض شده است؟ وقتی من درباره‌ی رنگ پوشش خز و قدرت بینایی‌اش در شب و اسم عجیب و غریبش حرف می‌زدم، آیا نباید به
حرف‌های من شک می‌کردید؟»

آقای وینسون از ما خواست از این تجربه درس بگیریم و فراموش نکنیم بعضی وقت‌ها ممکن است کتاب درسی یا نکته‌ای که معلم می‌گوید
هم اشتباه داشته باشد. بنابراین، به محض آنکه در مورد صحت چیزی شک کردیم، باید آن را یادآوری کنیم. او گفت که هیچ فردی و هیچ
کتاب درسی مصون از خطا و اشتباه نیست.

کلاس علوم آقای وینسون یک کلاس درس چالشی بود. حتی یکی از روزها او به ما گفته بود اگر خیلی عمیق فکر کنیم، حتماً متوجه
خواهیم شد که اتومبیل فولکس واگن یک موجود زنده است! و ما هم از همه‌جایی خبر، مدت دو روز تمام سعی کرده بودیم موضوع
را به گونه‌ای تجزیه و تحلیل کنیم که مورد قبول ایشان باشد!

ما این موضوع را در سایر کلاس‌های درسمان مطرح کردیم که مشکلاتی را هم برای سایر معلمان پیش آورد. برای اینکه آن‌ها هرگز
نمی‌خواستند کلاس‌های درسشان چالش‌برانگیز باشد. مثلاً معلم تاریخ ما درباره‌ی دوره‌ای از تاریخ حرف‌هایش را می‌زد و دیگر نه
بحثی انجام می‌شد و نه اجازه می‌داد در مورد بعضی مسائل تاریخی از ایشان سؤال کنیم! بنابراین، تنها آموزگاری که من

با خیال آسوده می‌توانستم در کلاسش، درباره‌ی راه‌حل موضوعی پیشنهادهایی را مطرح کنم، آقای وینسون بود
و بس. اما کلاس آقای وینسون به من و سایر هم‌کلاسی‌هایم یک درس بزرگ داد و آن این بود که اگر فکر
می‌کردیم چیزی که می‌شنویم نادرست است، با اعتمادبه‌نفس کامل روبه‌روی چشم‌های طرف مقابل

می‌ایستادیم و با لحنی مؤدبانه می‌گفتم: «بخشید، این چیزی که می‌گویید درست نیست.»

البته همگان نمی‌توانند اهمیت این موضوع را درک کنند. روزی از روزها من درباره‌ی آقای
وینسون با آموزگار کلاس پنجم صحبت کردم و ایشان گفتند: «آقای وینسون نباید شما
را فریب می‌دادند.»

من اما صریح و واضح به ایشان جواب دادم: «بخشید، با

صحبت‌های شما موافق نیستم.»

او در این تعریف از بازی شکل می‌گیرد، هویت پیدا می‌کند، جایگاه اجتماعی برایش به‌وجود می‌آید. با دنیای پیرامون خویش از تباطؤ برقرار می‌کند و به‌عنوان واحدی از اجتماع صاحب شخصیت می‌شود. کودک هم خود را می‌شناسد و هم درباره‌ی اطرافیان و پیرامون خویش شناخت پیدا می‌کند. حال از زاویه‌ای دیگر به کودک نگاه کنیم؛ او را به مثابه ظرف بینیم و بازی را مظروف.

مظروف نیاز درونی کودک می‌شود. پس این ظرف، یعنی کودک، با مظروفش، یعنی بازی، معنی و مفهوم پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، اگر این ظرف را از بازی خالی کنیم، کودک دیگر کودک نخواهد بود. از کودکی تهی و از معنا خالی خواهد شد؛ کودک با محتوا، کودک غنی، کودک کامل و کودک واقعی است. او با دنیای درون خود که خمیره‌ای از نشاط، پرسش و یک دنیا توانایی برای جست‌وجوست، به کشف و ابداع و به مرور به خودشناسی می‌رسد. با بازی توانایی‌هایش روز به روز شکوفا تر و دریافت‌هایش بیشتر می‌شود. برای دوستی با دنیای پیرامون خود، با خود دوست می‌شود تا برترین کلید ارتباط یافتن با دنیای بیرون از خود را به دست آورد و شاید آن جهان را نیز به دنیای خود بیفزاید.

بازی کودکان زیباست؛ پاک است مثل هوای پاک؛ حقیقت است در عین واقعی بودن. پس از صداقت و درستی سرشار است. پس بی‌نیاز از کمبود است.

بچه‌ها شادند؟ بله!

خانم معلم شاد است؟ بله!

خانم معلم به اندازه‌ی همه‌ی بچه‌های کلاس اولش شاد بود. مثل بچه‌های کلاس اولش می‌خندید. مثل بچه‌های کلاسش هیجان‌زده بود. او می‌خواست با بچه‌هایش درس بازی کند.

خانم معلم: «بچه‌ها آماده‌اید؟»

بچه‌ها یک صدا و بلند جواب دادند: «بله!»

خانم معلم می‌دانست همه‌ی بچه‌ها آماده‌اند، اما می‌خواست خود بچه‌ها صدای شادی و خوش‌حالی خود را بشنوند. دوباره پرسید: «بچه‌ها آماده‌اید؟»

و این بار بچه‌ها بلندتر جواب دادند: «بله!»

و همه از جواب خودشان خندیدند.

خانم معلم فرمان بازی را داد: ماشین‌ها حرکت. در یک چشم به هم زدن، بچه‌ها پشت فرمان خیالی، ماشین خیالی خود را به حرکت درآوردند و در یک خیابان دو طرفه‌ی خیالی، بین خطوط خیالی حرکت کردند. خانم معلم هم شد افسر راهنمایی و رانندگی تا ماشین‌ها را هدایت کند.

آیا به راستی مفهوم بازی برای بچه‌ها فقط بازی است؟

اگر به مثابه یک ظرف به بازی نگاه کنیم، می‌بینیم کودک خود و دنیای خود را به‌عنوان مظروف در آن قرار می‌دهد و به شکل و اندازه‌ی آن در می‌آید. پس می‌توان به تعبیری گفت: «کودک و کودکی یعنی بازی».

درس بازی با بچه‌ها!

مجید راستی

سردبیر

رشد

کودک



نادیده گرفتن این اصل، یعنی آمادگی و پذیرش برای آموزش، نتیجه‌ی ضعیفی در پی خواهد داشت.
خانم معلم گفت: «بچه‌ها، نصف‌تان ماشین و نصف‌تان مسافر بشوید.»

نصف بچه‌ها مسافر شدند و نصف دیگر ماشین. مسافرها روی کول ماشین‌ها سوار شدند و تا ته حیاط رفتند و برگشتند. ماشین‌ها نفس نفس می‌زدند، اما همه خوش حال بودند.
خانم معلم گفت: «حالا برعکس!»

ماشین‌ها مسافر شدند و مسافرها ماشین...
خانم معلم گفت: «درس امروز تمام شد.»
بچه‌ها گفتند: خانم اجازه، ما امروز بازی کردیم! خیلی هم خوش گذشت!

بازی به مفهوم کلی خود، زبان آشنای همه‌ی خردسالان و کودکان است. مربیان و معلمان خلاق نیز از این زبان به خوبی برای آموزش به آنان استفاده می‌کنند. شایسته است که تجربیات و یافته‌های ارزشمند و قابل استفاده برای دیگران هم به سرعت منتقل شوند و مورد استفاده قرار گیرند تا معلم و مربی نیز، در جایگاه معلمی، مؤثرتر عمل کنند.

خانم معلمی می‌گفت: «برای درس دادن بسیاری از مطالب، از زبان همه فهم کودکان سود می‌جویم؛ یعنی درس بازی می‌کنم!»

ماشین‌های خیالی در خیابان خیالی میان خطوط خیالی بی‌تخلف می‌رفتند و می‌آمدند و خانم معلم که پلیس راهنمایی خیالی شده بود، با لبخند و خوش حالی ماشین‌های خیالی را راهنمایی می‌کرد.

پلیس راهنمایی خیالی: «آفرین ماشین‌ها! خوب و درست می‌رید. آفرین!»
ماشین خیالی: «خانم ما بیب ببمون مردم آزاری نیست، از خوش حالیه!»

خانم معلم: «حالا می‌شیم عابر پیاده توی هوای کثیف. چی کار می‌کنیم؟»
بچه‌ها: «سرفه!»
بچه‌ها سرفه می‌کنند و راه می‌روند.

خانم معلم: «وای نه! هوای کثیف برای سلامتی‌مون خیلی بده. زود باد بشیم، هوا رو تمیز کنیم.» خانم معلم با بچه‌ها باد می‌شود و همگی هوا را برای تمیز شدن فوت می‌کنند.
بازی‌ها برای کودکان تحرک، نشاط، خیال، مهارت، سلامت و دوستی و محبت می‌آفرینند.

بزرگ‌ترها هم گاهی که به دنیای کودکی دچار می‌شوند، ناخوشی‌ها از دست‌رسان دور می‌شود و تهی از آن همه ناخوش احوالی و در عوض خوش حال و خوش احوال می‌شوند! بازی، حتی با نگاه صرف آموزشی، اصل آمادگی و پذیرش آموزش را با خود به همراه دارد.



وضو در حوض مثنوی

مهتری ماهوتی

همنشین من باش

به موسی (ع) وحی رسید که: «بنده‌ی من! ای کسی که از نور من درخشیدی، چرا به دیدنم نیامدی، در حالی که من دردمند و رنجور بودم؟»
موسی (ع) گفت: «خدای من! درد و رنج در تو راه ندارد. نقصی و کم و کاستی از ماست که بنده‌ایم.»

دوباره وحی رسید: «بیمار بودم و بدحال. جوانمردی نیست که حالی از من نپرسیدی.»
موسی (ع) گفت: «پروردگار! تو از هر ضعف و بیماری منزهی. چیزی بگو که در عقل و فهم من بگنجد.»

وحی آمد: «یکی از بندگان من دردمند است. رنج او رنجوری من است.
اگر همنشینی مرا می‌خواهی، با اولیا و عزیزانم بنشین، و گرنه جزئی هستی که از کل جدا افتاده‌ای و این مکر شیطان است که پراکندگی و جدایی دوستانم آرزوی اوست.»

منابع

۱. مثنوی معنوی تصحیح نیکلسون
۲. دفتر دوم از بیت ۲۱۵۶

هدیه

دوستی بعد از سال‌ها جدایی به دیدن یوسف (ع) آمده بود. دو رفیق دوران کودکی مشغول صحبت شدند. دوست از حسادت و ناجوانمردی برادران پرسید. یوسف (ع) گفت: «گله‌ای ندارم. چیزی شبیه اسیر شدن شیر در زنجیر بود. شیر در زنجیر هم شیر است و امیر.»
دوست از گرفتار شدن یوسف (ع) در چاه پرسید. یوسف (ع) گفت: «فکر کن ماه چند روزی در تاریکی فرو رفت و دوباره بیرون آمد و بدر کامل شد. این‌ها همه مثل رفتن دانه‌ای در خاک بود که بعد خوشه شد، آسیاب شد، نان شد، خورده شد و به عقل و جان هوشمندی اضافه شد. حالا تو بگو از این سفر دور و دراز برای من چه سوغاتی آورده‌ای؟»
دوست گفت: «راستش چیزی که شایسته‌ی تو باشد، پیدا نکردم، مثل اینکه بخواهم قطره‌ای را برای دریا ببرم، یا دانه‌ی مرواریدی را به معدن آن هدیه بدهم.»
پس آینه‌ای جلوی یوسف (ع) گذاشت و گفت: «چیزی بهتر از تو ندیدم. آینه‌ای آوردم تا خودت را در آن ببینی و از من یاد کنی.»

منبع: دفتر اول مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون

لطیفه‌هایی از کتاب امثال و حکم دهخدا

علیرضا لبش

بالا بالاها می‌نشینند و بزرگ بزرگ حرف می‌زند

پسری فرزندی ابله داشت. روزی او را نصیحت می‌کرد که هر وقت وارد مجلسی شدی، بالای مجلس بنشین و حرف‌های بزرگ بزن تا در نظر دیگران آدم بزرگی شوی. روزی پسر به مجلسی وارد شد. رفت و بالای طاقچه‌ی خانه نشست و نام حیوانات بزرگی مانند فیل، کرگدن، شتر و الاغ را برد.

دنبال کفشم می‌گردم

تاجری داشت از شاگردش در جمعی تعریف می‌کرد و می‌گفت: «شاگرد من آنقدر زرنگ است که وقتی او را دنبال کاری می‌فرستم، حتی می‌توانم زمان دقیق بازگشتش را هم پیش‌بینی کنم.»
حاضران از این قضیه تعجب کردند و از او خواستند شاگردش را امتحان کند تا به چشم خودشان ببینند. تاجر شاگردش را برای رساندن پیامی به محله‌ای دور فرستاد. شاگرد رفت. تاجر حدس می‌زد که الان در فلان محله است. الان از فلان کوچه گذشت. الان دارد از روی فلان پل می‌گذرد. الان به فلان محله رسید. پیغام را رساند. الان دارد از فلان بازار می‌گذرد. الان جلوی در رسیده است و شاگرد را صدا کرد. شاگرد جلوی در بود. بازرگان دیگری در مجلس مهمانی بود. فردای آن روز قضیه را برای شاگرد خودش تعریف کرد و او را سرزنش کرد که از شاگرد مردم یاد بگیر. شاگرد گفت: «شما هم در جایی از من تعریف کنید و بدانید من پیش او کم نمی‌آورم و شما را رو سفید می‌کنم.»
بازرگان مهمانی مفصلی داد. بقیه‌ی همکارانش را دعوت کرد، از شاگردش تعریف کرد و همان ادعا را مطرح کرد.
حاضران از بازرگان خواهش کردند ادعایش را ثابت کند و شاگرد را جلوی چشم آن‌ها امتحان کند. بازرگان شاگرد را دنبال کاری فرستاد و برای حصار می‌گفت که الان شاگردم در فلان محله است و الان از فلان کوچه گذشت و حالا دارد پیغام را می‌دهد و الان در فلان بازار است و الان برگشته و جلوی در است و بعد شاگرد را صدا کرد. شاگرد جلوی در بود و جوابش را داد. بازرگان خیلی خوشحال شد و گفت: «دستور مرا انجام دادی؟»
شاگرد گفت: «نه! از آن وقت تا حالا دنبال کفشم می‌گردم.»

این به آن در

به معلمی گفتند: «می‌دانی که شاگردانت از تو نمی‌ترسند؟»
گفت: «من هم از آن‌ها نمی‌ترسم.»

تو نگو تاف

معلمی لکنت زبان داشت و نمی‌توانست کاف را درست تلفظ کند و می‌گفت: «تاف»
شاگردانش هم همان را می‌شنیدند و تکرار می‌کردند.
معلم عصبانی شد و گفت: «وقتی من می‌گم، تاف، شما نگوید؛ تاف، شما بگوید؛ تاف.»

روز هفتم هم جمعه بود

مردی روستایی، پسرش را برای تحصیل به شهر فرستاد. پسر بعد از چند سال به روستا برگشت. پدر گفت: «پسر جان باسواد شدی؟»
پسر گفت: «نه پدر جان.»
پدر با تعجب پرسید: «چرا؟»
پسر گفت: «یک روز من بیمار بودم، یک روز استادم، یک روز من حمام می‌رفتم، یک روز استادم، یک روز من مشغول لباس شستن بودم، یک روز استادم، روز هفتم هم که جمعه بود و تعطیل.»

من پالتو را رها کرده‌ام، پالتو مرا ول نمی‌کند!

روزی مردی با دوستانش کنار رودخانه‌ای می‌رفتند. مرد لباس نازکی پوشیده بود و از سرما می‌لرزید. خرسی را سیلاب از بالای کوهستان آورده بود. خرس بی‌هوش بود و سرش زیر آب.
رفیقان به مرد لرزان گفتند: «نگاه کن! پالتو پوستی در آب افتاده و می‌رود. برو و آن را از آب بگیر و بپوش.» مرد از زور سرما داخل آب پرید تا پالتو را بگیرد. خرس به هوش آمد و چنگ انداخت و او را گرفت. رفقا گفتند: «اگر می‌توانی پالتو را بیاور و اگر نمی‌توانی ولش کن که داری غرق می‌شوی.»
مرد گفت: «من پالتو را ول کرده‌ام، اما پالتو مرا رها نمی‌کند.»

داستان این پویانمایی، همان‌طور که از اسمش پیداست، در مورد اسباب‌بازی‌هاست؛ اسباب‌بازی‌هایی که فکر می‌کنند، حرکت دارند، کار انجام می‌دهند و با صاحب خود (اندی) رابطه‌ی احساسی برقرار کرده‌اند، در هر سه قسمت از فیلم، میل بودن در کنار صاحبشان، دست‌مایه‌ی اصلی داستان شده است. آن‌ها قهرمانان دنیای خیالی هستند و فرق اساسی‌شان با دیگر اسباب‌بازی‌ها این است که هیچ‌وقت در خطر بودن برای همراهی با کسی را که دوستش دارند، با آرامش ماندن درون قفسه‌ی اسباب‌بازی‌ها عوض نمی‌کنند.

نقد فیلم

داستان اسباب‌بازی‌ها از جمله فیلم‌های معدودی است که قسمت‌های دوم و سوم آن هم از همان جذابیت و کشش قسمت اول برخوردار است. فیلم اسباب‌بازی ۱ را می‌توان پیش‌تاز نسل تازه از ساخت انیمیشن با جزئیات بسیار نامید. قهرمان پروری کاری است که در این فیلم، بدون نقص صورت گرفته و قهرمان (وودی کابوی) تا پایان فیلم مورد حمایت مخاطبان است. در قسمت سوم این نمایش، اندی دیگر بزرگ شده است و می‌خواهد به دانشگاه برود، ولی هنوز بخش مهمی از خاطراتش را فراموش نکرده است. او وودی را با خودش می‌برد. همراه داشتن یک عروسک، برای جوانی که دوران کودکی را پشت‌سر نهاده، نقص تلقی نمی‌شود، بلکه زنده نگاه داشتن کودک درونی است که بعضی مواقع به ما تلنگر می‌زند که در روابطمان سیاست را کنار بگذاریم، به همه لب‌خند بزنیم و دنیا را از دریچه‌ی قلبمان ببینیم تا مثل کودکان خالص بمانیم. شاید بد نباشد بعضی مواقع از کودکان سرمشق بگیریم و نگاه کردن از زاویه‌ی دید آن‌ها را برای خود تکلیف کنیم.

نقد آموزشی

اساس داستان فیلم بر ذهنیات کودکان استوار است (جان بخشیدن به اشیای بی‌جان). نکته‌ی آموزشی فیلم هم در نگاه درست به این داشته‌ی کودکان است. تمام دستاوردهای بشر براساس جدی‌شدن همین تخیلاتی است که روزگاری در سر مخترعان شکل گرفته‌اند. به‌گفته‌ی فلاسفه، هر چیزی که در ذهن بشر می‌گذرد، امکان دارد روزی به واقعیت بپیوندد، چون از جایی در داخل این جهان به ذهن او خطوط کرده است. پس باید کودکان را به تخیل‌پردازی تشویق کرد تا ذهنشان خلاق و آماده‌ی سازندگی گردد.

کارخانه‌ی رویابافی

مهران نعمت‌اللهی

فیلم‌نگاری

مروری بر سه‌گانه‌ی داستان

اسباب‌بازی‌ها (toy story)

کارگردان: جان لستر (۱ و ۲)،

لی‌آنکریچ (۳)

نویسنده: جان لستر،

پیت داکتر (۱ و ۲)، مایکل

آندریت (۳)

شرکت تولیدکننده: پیکسار



عباس کیارستمی یک استاد بود و بچه‌ها را می‌شناخت. یکی از معدود آدم‌های بزرگی که احساس بد کوچک بودن را فراموش نکرده بود. او - مثل این روان‌شناس‌هایی که آدم را هیپنوتیزم می‌کنند و در خاطراتش به عقب برمی‌گردانند - با فیلم‌هایش شما را هیپنوتیزم می‌کند و عقب می‌برد، به وقتی که هنوز معلم و ناظم و مدیر نبودید؛ به وقت دانش‌آموزی‌تان. به زمانی که از سر صف به خاطر تف‌بازی بیرونتان می‌کشیدند. به وقتی که دست ناظم روی سر و شانه‌تان می‌رفت؛ چه از سر تشویق و چه تنبیه، و شما بدنتان خشک می‌شد و سعی می‌کردید برای چند لحظه نفس نکشید تا دست از روی سرتان برداشته شود. استرس ایستادن جلوی میز ناظم، استرس ثبت نام، استرس سؤال و جواب شدن، شیرینی وقتی که ناظم می‌فهمید بی‌گناهی و اجازه می‌داد بروید، استرس تعهد دادن، خستگی موقع سخنرانی صبحگاهی مدیر. گاهی دلتان برای بچه‌ها می‌سوزد، گاهی دلتان برای ناظم می‌سوزد، و در طول فیلم انگار دلتان برای خودِ کوچکتان تنگ می‌شود؛ برای وقتی که شخصیت سر صف‌تان با شخصیت جلوی میز ناظم فرق داشت. این دلتنگی خوب است. با برگشتن به کودکی‌تان یادتان می‌آید از مدیر، ناظم، معلم و مدرسه چه انتظاری داشتید، یادتان می‌آید اگر جور دیگری با شما رفتار می‌کردند شاید امروز آدم متفاوت‌تری می‌شدید، شاید آینده‌ی متفاوت‌تری می‌داشتید.

«اولی‌ها» فیلمی از عباس کیارستمی است که راحت هم می‌توانید پیدایش کنید. فقط کافی است سری به سایت‌های اشتراک ویدئوی داخلی بزنید و در قسمت جست و جو، کلیدواژه‌های «اولی‌ها» و «عباس کیارستمی» را وارد کنید. حُجْمَش کم است، قدیمی است، کیفیت پایینی دارد، تصویر پرش دارد، ولی قطعاً ارزش دیدن دارد. اگر خودِ دبستانی‌تان را یادتان نمی‌آید، پس این ماشین زمان را از دست ندهید.

* فیلم‌های دیگر کیارستمی که بعد از دیدن «اولی‌ها» شاید دوست داشته باشید سری به آن‌ها بزنید:

کوتاه: «زنگ تفریح»، «منم می‌تونم».

بلند: «خانه‌ی دوست کجاست»، «مشق شب».



اولی‌ها

مهدی ولیزاده



صفحه‌ی همراهان ما، انعکاس بخشی از تماس‌های مخاطبان ماه‌نامه است. کارشناسان مطالب ارسالی را بررسی می‌کنند؛ و مطلب در صورت تأیید، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

۱. **هایده ابراهیمی؛** آموزگار - مریوان کردستان
«خشونت از کجا نشأت گرفته است؟» و «خاطره‌ی خوابی که به حقیقت پیوست»
۲. **راضیه باباخانی؛** آموزگار - قزوین ناحیه‌ی ۲
«راهبرد آموزشی ریاضیات جدید»
۳. **عبدالله مرادی؛** شهرستان سروآباد
«مقایسه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، در کلاس‌های مختلط و غیرمختلط پایه‌ی پنجم ابتدایی»
۴. **علی اکبر امامی؛** منطقه‌ی حمیل
«طرح درس مبتنی بر IT درس سیزدهم کتاب فارسی پایه‌ی چهارم دوره‌ی ابتدایی با عنوان «لطف حق»
۵. **بتول صافی؛** نجف‌آباد - اصفهان
«مهارت‌های اجتماعی»
۶. **عذرا قدیگی؛** شهرستان شازند
«بازی و ریاضی»
۷. **راضیه رحمتی؛** آموزگار - ناحیه یک قزوین
«معلم بانشاط، زندگی آفرین است»
۸. **سجاد محمدی‌اقدام؛** آموزگار
فرانک محمودی؛ دانشجوی کارشناسی روانشناسی عمومی
«بررسی تأثیر ارزشیابی توصیفی بر پیشرفت تحصیلی و اضطراب امتحان دانش‌آموزان»
۹. **محرم طاهرخانی؛**
«آموزش و پرورش شاداب»
۱۰. **وحید مرادخواه و صدیقه قاسمی؛** هر دو آموزگار
«هفت راه برای گرفتن بازخورد بهتر از دانش‌آموزان»
۱۱. **حسین محمدیان؛**
«رفع کمبودهای برنامه‌ی هفتگی درسی»
۱۲. **فاطمه قدرتی راد؛**
«توآوری در راستای توانمندسازی و ارتقای کیفیت و بهره‌وری در سازمان (با تکیه بر اصول مدیریت اسلامی)»
۱۳. **مهدی راجی و مینا راجی؛** هر دو آموزگار - آذربایجان شرقی
«تحلیل محتوای کتب هدیه‌های آسمان و فارسی (خوانداری) دوره‌ی دوم ابتدایی از نظر میزان توجه به مؤلفه‌های آموزه‌های دینی»
۱۴. **زهرا قربانی‌مقدم و مژگان آدینه؛** هر دو دبیر
«مطالعات روانشناختی در دوره‌ی ابتدایی»
۱۵. **سمیه هاشمی؛** معلم، آبیک
«عوامل مؤثر بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان»
۱۶. **محدثه پاک‌نظر؛** سمنان
«تعیین محتوا در برنامه‌ی درسی ریاضیات مدرسه‌ای»
۱۷. **نرگس محمدی؛** آموزگار - گیلان
«اثرات آموزش پیش‌دبستانی در مهارت خواندن و نوشتن دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی»
۱۸. **اعظم آشنا؛** آموزگار - فارس، لارستان
«به‌کارگیری الگوهای نوین تدریس و استفاده از ابزارهای کمک‌آموزشی»
۱۹. **معصومه آرنی؛** آموزگار، خراسان جنوبی
«فرشته‌ی خدا در کلاس من»
۲۰. **محمد نیکویی؛** چمستان، مازندران
«شادی هدفمند»
۲۱. **ابراهیم قدردان؛** تهران
«لطفاً مداد را درست دستتان بگیرد!»
۲۲. **سیدعلی عبداللہی حسینی، سکینه اخلاقی و علی لطفی؛** مازندران
«یادگیری زایشی، الگویی نو در طراحی آموزشی»

شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماه‌نامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشد:

مطالب عمومی

۱. **خاطره:** معلمان محترم می‌توانند خاطرات تلخ و شیرین خود را برای درج در ماه‌نامه بفرستند. خاطره باید به مدرسه، درس، دانش‌آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. **تجربه:** معلمان محترم می‌توانند تجربه‌های خود را در زمینه‌های آموزشی و تربیتی برای مجله بفرستند. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد کودک** برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی
- رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی
- رشد دانش‌آموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد پسرانه** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم
- رشد بزرگسال** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

۳. داستان: سوژه‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی معلمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌توانند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.

۴. خبر و گزارش فعالیت: اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، به شرط اینکه تازه و بدیع باشند و به امور روزمره، مثل اردو و شرکت در نماز جمعه و راهپیمایی و نظایر آن‌ها مربوط نباشد.

مطالب تخصصی

مقاله: ماهانه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. اما شرایط پذیرش مقاله به شرح زیرند:

۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش مربوط باشد.
۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۲۰۰۰ کلمه باشد.
۵. مقاله‌های کپی‌شده سریع تشخیص داده و دور ریخته می‌شوند.

۶. چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
۷. منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
۸. عنوان شغلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید. از آنجا که مطالب هر شماره از ماه‌نامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله برای نتیجه‌ی آن صبر کنید و تلفن دفتر مجله را اشغال نکنید. ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند.

ماهانه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و بروزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد.

ماهانه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد.

در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل Word به ایمیل الصاق کنید. فایل PDF نفرستید.

برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.

یادآوری مهم: مطلب و مقاله‌ای که شرایط فوق را نداشته باشد، بررسی نمی‌شود.

مسابقه‌ی مدرسه‌ی زیبای من «عکس و فیلم»

یکی از جنبه‌های مهم مدرسه‌داری، زیباسازی محیط آن است. تقریباً تمامی مدارس سعی می‌کنند با صرف هزینه، دیوارهای حیاط مدرسه یا سالن‌ها و در ورودی کلاس‌ها یا حتی خود کلاس‌ها را با طراحی‌ها و دیوار نوشته‌ها زیباتر کنند تا محیط آموزشگاه شاداب‌تر شود.

تعداد زیادی از مدیران و معلمان، خود صاحب ایده‌اند و تعدادی از نظر مشاوران گرافیکست و طراح استفاده می‌کنند و عده‌ای نیز همچنان دنبال ایده می‌گردند.

در همین زمینه مسابقه‌ای داریم. در این مسابقه، شما می‌توانید از دیوارنوشته‌ها و طراحی‌های مدرسه‌ی خود عکس یا فیلم تهیه کنید و برای ما بفرستید. ضمن چاپ تصاویر برتر، به بهترین آن‌ها جایزه هم می‌دهیم.

حتی اگر کار هنری زیادی در دیوارها ندارید، آثارتان را بفرستید؛ شاید از نظر داوران ما، نکته‌ای در همان تصاویر وجود داشته باشد که بتواند امتیازی نصیب خود بکند.

نکته‌ها

۱. این مسابقه‌ی عکاسی نیست که به کیفیت عکس جایزه بدهیم. پس با همین موبایلی که در دست دارید و یا با یک دوربین عکاسی معمولی عکس بگیرید یا فیلم تهیه کنید.

۲. محتوای مطالب طراحی شده برای ما اهمیت بیشتری دارد.

۳. عکس و فیلم فقط از مدارس ابتدایی پذیرفته می‌شود.

۴. فرصت ارسال آثار تا پایان فروردین‌ماه ۹۶ است.

۵. جایزه به مدرسه تعلق می‌گیرد.

۶. تعداد برنده‌های اصلی سه مدرسه خواهد بود و به پنجاه مدرسه هدایایی تعلق می‌گیرد.

۷. بهترین تصاویر با ذکر نام مدرسه، مدیر و طراح، به تدریج در مجله به چاپ خواهند رسید.

نحوه‌ی ارسال:

ebtedayi@roshdmag.ir

ایمیل:

https://telegram.me/ebroshdmag

تلگرام:



روشد دانش
مجله‌ی دانش و مهارت برای دانش
پژوهان دانش گام‌های دانش

اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل

روشد دانش

نحوه‌ی اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه‌ی سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۲۳۳۳ ۸۸۴۹۰ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات درخواستی:

.....

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد:

♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

♦ استان:

♦ خیابان:

♦ پلاک:

♦ شماره فیش بانکی:

♦ مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱۵۵/۴۹۷۹

♦ تلفن بازگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه‌ی اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه‌ی اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

